



## Dominant Discourses on The Legislative Process in The Field of Family LaW (2020- 2024)

Shima Aliabadi<sup>1</sup>  | Mohammad Roshan<sup>2</sup>  |  
Mohammad Taghi Karami Ghahi<sup>1</sup>  | Rezvan Ostad Ali Dehaghi<sup>1</sup> 

1. Corresponding author ,PhD student, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
Email: [shima.aliabadi91@gmail.com](mailto:shima.aliabadi91@gmail.com)
2. Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: [m-roshan@sbu.ac.ir](mailto:m-roshan@sbu.ac.ir)
3. Faculty of Social Sciences /Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: [mt.karami@yahoo.com](mailto:mt.karami@yahoo.com)
4. Family Research Institute, Shahid Beheshti University. Tehran, Iran. Email: [r\\_ostadali@sbu.ac.ir](mailto:r_ostadali@sbu.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 2025/10/18  
Revised: 2026/02/26  
Accepted: 2026/03/19  
Published online: 2026-03-20

#### Keywords:

Discourse analysis, family law, legislative process, family law discourse, dominant discourse, Islamic Consultative Assembly.

### ABSTRACT

This study, adopting Laclau and Mouffe’s discourse analysis approach, examines the legislative process in the field of family law during the 11th term of the Islamic Consultative Assembly (Parliament of Iran). The findings reveal that the political alignment of the parliament and the government under the conservative discourse exposed latent internal divisions within this political current, leading to the emergence of two sub-discourses in family law legislation: “traditional conservatism” and “reform-oriented conservatism.” The traditional conservative discourse, with the nodal point of “strengthening the family institution” and its articulation with moments such as Islam, traditional intra-family relations, disregard for women’s rights and..., employed hard-power tools to exclude its rival. It played a pivotal role in the ratification of Article 56 of the Family Protection and Youth Population Law and the suspension of the Bill on the Protection of Dignity and Security of Women Against Violence. In contrast, the reform-oriented conservative discourse, centered on “balancing the fulfillment of women’s rights and the consolidation of the family institution” and articulated with moments such as dynamic jurisprudence, women’s dignity within the family, motherhood, culture, expert consensus, and... used soft strategies to marginalize its rival discourse and to modify or halt certain bills

**Cite this art:** Aliabadi, Sh.; Roshan, M.; Karami Ghahi, M.T.; & Ostad Ali Dehaghi, R. (2025) Dominant Discourses on The Legislative Process in The Field of Family LaW (2020- 2024) . *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (2),73-100.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.404488.671351>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.404488.671351>

## گفتمان‌های فرآیند قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده (یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی)

شیمای علی‌آبادی<sup>۱</sup> | محمد روشن<sup>۲</sup> | محمدتقی کرمی قهی<sup>۳</sup> | رضوان استادعلی دهقی<sup>۴</sup>

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران، ایران. رایانامه: [shima.aliabadi91@gmail.com](mailto:shima.aliabadi91@gmail.com)
۲. دانشیار، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران، ایران. رایانامه: [m-roshan@sbu.ac.ir](mailto:m-roshan@sbu.ac.ir)
۳. استاد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی؛ تهران، ایران. رایانامه: [mt.karami@yahoo.com](mailto:mt.karami@yahoo.com)
۴. استادیار، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران، ایران. رایانامه: [r\\_ostadali@sbu.ac.ir](mailto:r_ostadali@sbu.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	این پژوهش با رویکرد تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به بررسی فرآیند قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با یکدست شدن مجلس و دولت در ذیل گفتمان اصولگرایی، شکاف‌های پنهان درون این جریان سیاسی آشکار و به بروز دو خرده‌گفتمان «سنتی اصولگرایی» و «تحول‌خواه اصولگرایی» در عرصه قانونگذاری خانواده منجر شد. گفتمان سنتی با نشانه مرکزی «تحکیم نهاد خانواده» و مفصل‌بندی آن با نشانه‌هایی از جمله اسلام، روابط سنتی درون خانوادگی، اخباری‌گری، عدم توجه به حقوق زن، نفوذ و... از ابزارهای سخت‌افزاری برای طرد رقیب بهره برد و در تصویب ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و توقف لایحه حفظ کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت نقش محوری داشت. در مقابل، گفتمان تحول‌خواه با نشانه مرکزی «موازنه میان استیفای حقوق زن و استحکام نهاد خانواده» و نشانه‌هایی چون فقه پویا، کرامت زن در خانواده، نقش مادری، رهبر انقلاب، فرهنگ، اجماع کارشناسی و... از راهبردهای نرم برای حاشیه‌رانی گفتمان رقیب و تعدیل یا توقف برخی طرح‌ها استفاده کرد و توانست کلیات لایحه حفظ کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت را به تصویب برساند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹	
کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، حقوق خانواده، فرآیند قانونگذاری، گفتمان حقوق خانواده، گفتمان مسلط، مجلس شورای اسلامی.	

**استناد:** علی‌آبادی، شیمای؛ روشن، محمد؛ کرمی قهی، محمدتقی و استادعلی دهقی، رضوان. (۱۴۰۴). گفتمان‌های فرآیند قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده (یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶(۱)، ۷۳-۱۰۰. <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.404488.671351>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.404488.671351>

## بیان مسئله

اگرچه ممکن است در نگاه اول حقوق خانواده در جمهوری اسلامی ایران صرفاً در پیوند با فقه و مبانی دینی تعریف شود و این گونه به نظر رسد که حقوق خانواده در ایران امری کم‌ارتباط با تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، اما واقعیت فضای سیاسی و میدان قانونگذاری حاکی از پیچیدگی این زمین است و نشان می‌دهد که قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده متأثر از عوامل متکثری است. در واقع از زمانی که «خانواده» به مثابه سوژه‌ای مسأله‌مند وارد گفتمان سیاسی شده، تراکمی از گفتارها، گزاره‌ها، نظریه‌ها و قوانین مصوب را حول خود شکل داده است و در نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی می‌توان یک صورت‌بندی گفتمانی «مسلط» و یک یا چند صورت‌بندی گفتمانی دیگر مشخص کرد و مسأله اصلی منازعه میان نیروهای درون نهاد در راستای تفوق‌بخشیدن به گزاره‌ها و مفاهیم خود است (فرکلانف<sup>۱</sup>، ۱۳۹۹: ۳۷). نهادهای حکمرانی در دوره‌های مختلف، برخی موضوعات را در حوزه خانواده موضوع مداخله قرار می‌دهند و نسبت به آن اقدام به مداخله می‌کنند. بخش مهمی از این مداخله، از جنس قانون است. به تعبیری این وجه مسأله‌گون در عرصه تقنین خود را به خوبی نشان داده و موضوع خانواده در عرصه قانونگذاری تحولات عمده‌ای را به خود دیده است. این تحولات هم شامل بسط و گسترش عرصه تقنین در خانواده و هم تغییر مداخلات تعریف‌شده در گذر سال‌ها می‌شود. برای نمونه اگرچه طی سال‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ قوانینی به تصویب مجلس شورای ملی رسید که به مسأله ازدواج مربوط می‌شد، اما در سال ۱۳۴۶ قانون‌گذار در ابعاد گسترده‌تر نسبت به موضوعات حوزه خانواده ورود کرده و قانون حمایت خانواده را به تصویب رسانده و همچنین قوانین مربوط به ازدواج نیز دچار تحولاتی شده است.

پارلمان یا مجلس مهم‌ترین نهاد بر ساخت قوانین در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما ایران است؛ البته بر ساخت قوانین فرآیندی آنی نیست. مداخله قانونی پیشنهادی به دو شکل طرح یا لایحه به مجلس ارائه می‌شوند و موافقان و مخالفان برای تصویب یا رد آن‌ها به مباحثه می‌پردازند و از فرآیندهای کسب و ارتقاء قدرت گفتمانی خود بهره می‌برند. به بیان دیگر فرآیند تقنین فرآیندی است که طی آن برخی موضوعات و مسائل مورد توجه حاکمیت قرار می‌گیرد، راه‌حلی قانونی برای آن طراحی و از بین آن‌ها، یکی تصویب می‌شود. در این فرآیند سیاسی پیچیده، گروه‌ها و افراد به عنوان بازیگران پیدا و پنهان که حاملان ایده‌های گفتمانی مختلفی هستند، هریک به زعم خود تلاش می‌کنند تا خواست خود را در انتخاب مسأله مورد مداخله، رویکرد مداخله‌ای و نهایتاً در قانون مصوب نهایی بگنجانند. گفتمان‌های حاکم بر فرآیند تقنین در حوزه حقوق خانواده شیوه‌های خاصی است که نیروهای مؤثر در فرآیند تقنین نسبت به خانواده حامل آن هستند و در طول فرآیند، از انتخاب مسأله تا نحوه مداخله قانونی و...، طی منازعاتی سعی در حفظ سلطه خود یا تضعیف سلطه صورت‌بندی گفتمانی مسلط دارند. این پژوهش به دنبال شناسایی گفتمان‌های حاکم بر فرآیند قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی است؛ در واقع پرسش این پژوهش این است که در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی چه گفتمان‌هایی در فرآیند تقنین در حوزه حقوق خانواده حضور داشتند؟ نشانه‌های این گفتمان‌ها چه بوده و از چه استراتژی‌هایی برای برجسته‌سازی خود و حاشیه‌رانی رقیب بهره می‌بردند؟ اگرچه این گفتمان‌سنجی در تمام ادوار مجلس شورای اسلامی می‌تواند صورت گیرد، اما مجلس یازدهم چند ویژگی مهم دارد که به نظر می‌رسد آن را قابل مطالعه می‌سازد: نخست، نزدیک‌ترین دوره به اتمام‌رسیده مجلس در زمان نگارش این مقاله است. دوم، یکی از مهم‌ترین و

قدیمی‌ترین لوایح مربوط به زنان - لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت<sup>۱</sup> - که با توجه به پیچیدگی موضوع در نسبت با خانواده تحولات تقنینی را رقم زده بود، پس از بیش از یک دهه، از دولت وقت به این مجلس می‌رسد و متوقف می‌ماند. سوم، این مجلس موضوعاتی نظیر حضانت، مهریه، طرح تاسیس سازمان ملی اقامت - بخش مربوط به تابعیت فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با اتباع بیگانه - را نیز در دستور کار خود داشت و چهارم، یکی از قوانین مصوب این مجلس قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» است که اگرچه بخش عمده آن در حوزه «حقوق خانواده» تعریف نمی‌شود اما ماده ۵۶ این قانون که مربوط به سقط جنین، شرایط انجام و تعیین مجازات‌های مربوطه است، در این حوزه قرار می‌گیرد.

قابل ذکر است که در این مطالعه کنش قانونگذاری در معنای موسع آن مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به بیانی دیگر در این پژوهش در کنار توجه به خروجی تقنین، عمل تقنین نیز واجد اهمیت و معناست و در این مسیر هر کنش بازیگران و نیروهای حاضر در میدان (نطق، اعتراض، مصاحبه‌های خبری، فعالیت‌های رسانه‌ای، شرکت یا عدم شرکت در جلسات، اعتراض به تصویب یا عدم تصویب و...) واقعیتی است که پژوهشگر را در شناسایی گفتمان‌های در حال منازعه یاری‌رسان است. ضمن آن که از کل فرآیند قانونگذاری که از پیش از مجلس (در دولت یا قوه قضاییه) شروع شده و تا بررسی در شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه می‌یابد، این پژوهش تمرکز خود را بر فرآیند طی شده در مجلس قرار داده است. همچنین در این بررسی مواردی مطرح نظر قرار می‌گیرند که مرتبط با تنظیم روابط، حقوق و تکالیف اعضای درون نهاد خانواده هسته‌ای (زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی ایشان) است؛ نه روابط این اعضا با سایر افراد خارج از این نهاد و نه سیاست‌های اجرایی مرتبط با حفظ این نهاد. از همین‌رو در این پژوهش، گفتمان‌های حاکم بر فرآیند قانونگذاری در عرصه حقوق خانواده اولاً، طی مروری بر قوانین مصوب یا طرح‌ها و لوایح مورد بررسی در موضوع حقوق خانواده، ثانیاً در مذاکرات مربوط به قوانین، طرح‌ها و لوایح مطرح در دوره یازدهم مجلس، ثالثاً در گفت‌وگو با برخی نمایندگان دوره یازدهم مجلس و بازیگران این عرصه که در فرآیند بررسی یا تصویب این طرح‌ها و لوایح اثرگذار بوده یا خود پیشنهاددهنده طرح‌هایی در این زمینه بودند و رابعاً در توجه به تمام انواع واقعیت‌های دیگر (نطق، اعتراض، مصاحبه‌های خبری، فعالیت‌های رسانه‌ای، شرکت یا عدم شرکت در جلسات، اعتراض به تصویب یا عدم تصویب و...) بررسی خواهد شد تا با درک نشانه مرکزی، سایر نشانه‌ها و مفصل‌بندی‌های هر گفتمان، تمایزات نشانه‌ای، رویکردی و عملکردی گفتمان‌های مربوطه شناسایی شود. تحلیل فرآیند تقنین با رویکرد گفتمانی، بدین معناست که بازیگران این میدان، ادراک متفاوتی از مسأله و راه‌حل‌های آن دارند (کالینز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹؛ ادلمن<sup>۳</sup>، ۱۹۸۸) و همین امر این فرصت را برای پژوهشگر فراهم می‌سازد تا این تفاوت‌ها را مورد بازشناسی و مقایسه قرار دهد. با این رویکرد در این پژوهش در راستای پاسخ به پرسش‌های مذکور، شیوه‌های خاصی که نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی برای سخن‌گفتن درباره خانواده در قالب تصویب یا رد طرح‌ها و لوایح پیشنهادی در عرصه حقوق خانواده به کار می‌گیرند، شناسایی و ارزیابی می‌شود.

۱ این لایحه در مجلس یازدهم، در کمیسیون اجتماعی با عنوان «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» به تصویب می‌رسد و در دستور کار صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرار می‌گیرد.

## مرور تجربی

در بررسی سوابق مربوط به موضوع پژوهش، موارد زیر به دست آمد که پس از مرور اجمالی، وجه تمایز این پژوهش با موارد بیان شده، ذکر خواهد شد:

۱. مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانونگذاری ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)» (انصارین، نوریه و دیگران، ۱۳۹۶) با هدف شناسایی گفتمان‌های مسلط خانواده در مجالس قانون گذاری دوره پهلوی دوم و تحلیل آن‌ها انجام شده و طی آن مذاکره‌های نمایندگان مجلس بیست‌ویکم و بیست‌وسوم، با روش تحلیل گفتمان بررسی و چشم‌انداز نظری آن بر مبنای نظریه‌های عاملیت-ساختار، نظام کنش، بازنمایی و جهانی‌شدن تدوین شده است. نتایج حاکی است با توجه به ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در مجلس بیست‌ویکم «گفتمان اعتدال‌گرایی سنتی» از دیالکتیک گفتمان مسلط سطح فرهنگی (سنت‌گرایی اصولگرا) و گفتمان مسلط سطح سیاسی (نوگرا) به وجود آمده و در مجلس بیست‌وسوم «گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب» با حمایت قوی گفتمان مسلط سطح سیاسی (نوگرای رادیکال) و نادیده‌گرفتن گفتمان قدرتمند سطح فرهنگی (سنت‌گرایی اصولگرا)، به گفتمان مسلط مجلس تبدیل شده است.

۲. نوریه انصارین و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان جامعه‌شناختی مذاکره‌های مجلس هشتم شورای اسلامی در خصوص قانون حمایت از خانواده» با هدف شناسایی گفتمان‌های مسلط در حوزه خانواده در مجلس، به بررسی مذاکرات نمایندگان مجلس هشتم پیرامون قانون حمایت خانواده پرداخته‌اند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان و با اتکا به چشم‌انداز نظری مبتنی بر نظریه‌های عاملیت-ساختار، نظام کنش، بازنمایی و جهانی‌شدن انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظم گفتمانی حاکم بر مجلس هشتم در موضوع «خانواده و زنان»، متشکل از سه گفتمان «سنت‌گرایی اصولگرا»، «سنت‌گرایی اعتدالی» و «نوگرای اصلاح‌طلب» است. در این میان، گفتمان «سنت‌گرایی اعتدالی» به علت انطباق نسبی با بافت و شرایط اجتماعی و برخورداری از اکثریت نسبی در میان مذاکره‌کنندگان، توانسته است میان دو گفتمان «سنت‌گرایی اصولگرا» و «اعتدال‌گرایی سنتی» پیوند برقرار کند و از بروز تقابل مستقیم میان آن‌ها (مثلاً در موضوع ازدواج موقت) جلوگیری نماید.

۳. سلیمی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل فرآیند توسعه خط‌مشی‌گذاری عدالت جنسیتی در ایران» با تمرکز بر شناسایی ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری در حوزه عدالت جنسیتی و بررسی مؤلفه‌های گفتمانی و ادراکی بازیگران دخیل، به تبیین چالش‌ها و نارسایی‌های این فرآیند پرداخته است. هدف از این مطالعه، ارائه راهکارهایی مبتنی بر یافته‌ها برای رفع موانع توسعه عدالت در میان آحاد جامعه (زنان و مردان) است.

۴. در پایان‌نامه «تحلیل گفتمان‌های تأثیرگذار بر فرآیند قانونگذاری در قلمرو حقوق زنان و خانواده (۱۳۵۸-۱۳۹۸)» اعظم توکلی‌خالدی (۱۴۰۱) در پی پاسخ به سه پرسش ۱- چه تعداد ماده قانونی در حوزه زن و خانواده در ۴۰ سال انقلاب تغییر یافته و در کدام دوره‌ها بوده است؟ ۲- گفتمان‌های غالب فکری، سیاسی و مذهبی از ۱۳۵۸-۱۳۹۸ در جمهوری اسلامی کدام‌اند؟ ۳- تأثیر گفتمان‌ها بر تغییر قوانین چگونه تحلیل می‌شود؟، به تحلیل سخنان نمایندگان در حوزه زنان و خانواده -احصاشده از روش مطالعات تاریخی- اقدام کرده و در کنار آن شرحی از اوضاع سیاسی و اجتماعی هر دوره از مجلس شورای اسلامی را نیز در نظر گرفته است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که از مجموع ۳۰۹۴ ماده قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۷۹ ماده قانونی آن مربوط به حیطة زن و خانواده بوده است. از این تعداد ماده قانونی، ۶۰ ماده قانونی آن تغییر و تحول یافته است. پاسخ سؤال دوم حکایت از آن دارد که گفتمان‌های فکری و سیاسی در ایران نتیجه شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاصی بود که

اواخر حکومت قاجار و اوایل حکومت پهلوی را در بر گرفته بود و بعد از انقلاب اسلامی گفتمان اسلام‌گرا، گفتمان سازندگی، گفتمان اصلاحات، گفتمان اصولگرا و اعتدال‌گفتمان‌های غالب را از آن خود کردند. در راستای سؤال سوم نیز جهت چگونگی یافتن تاثیر گفتمان‌ها بر تصویب قوانین، موقعیت بافت هر دوره شناسایی، دال‌های مرکزی سخنان نمایندگان درباره همان قانون احصاء شده و سپس با توجه به موقعیت بافت و دال‌های مرکزی سخنان نمایندگان، تأثیر گفتمان‌های غالب بر تصویب قوانین تبیین شده است.

پژوهش حاضر ضمن تمرکز بر یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، برخلاف برخی پژوهش‌های مذکور که بر سخنان نمایندگان تمرکز دارد، مذاکرات رسمی مجلس و همچنین تمامی فعالیت‌های نمایندگان درگیر در فرآیند تقنین در حوزه خانواده (نظیر مصاحبه‌ها، اعتراض‌ها، نطق‌ها، شرکت و عدم شرکت در جلسات و...) را مدنظر قرار داده و ضمن آن نیز طی مصاحبه‌هایی با نمایندگان و سایر افراد مؤثر در فرآیند قانونگذاری -خارج از دایره نمایندگی مجلس-، داده‌های اولیه را جهت بررسی و تحلیل گفتمان احصاء کرده است. توجه به این عناصر می‌تواند تصویری از وضعیت بازیگران عرصه تقنین، ابزارهایی که این بازیگران برای پیشبرد گفتمان خود از آن بهره می‌برند، نوع منازعات میان گفتمان‌ها و... به مخاطب ارائه دهد؛ در حالی که تمرکز صرف بر مذاکرات مجلس نه تنها تصویر را ناقص ارائه می‌دهد، بلکه حتی در بخش‌هایی می‌تواند بازنمایی مخدوشی داشته باشد.

## مرور نظری و مفهومی

### – گفتمان

گفتمان در یک تعریف مقدماتی عبارت است از «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن)» (یورگنسن<sup>۱</sup>، فیلیپس<sup>۲</sup>، ۱۴۰۱: ۱۸). به تعبیری دیگر گفتمان مجموعه‌ای از قواعد و معانی سامان‌یافته در قالب یک نظام معرفتی و در بستر زبانی معین است که بر تمامی ابعاد حیات اجتماعی اثر می‌گذارد و چارچوبی برای درک جهان توسط کنشگران اجتماعی فراهم می‌سازد. در واقع، گفتمان نوعی ارتباط یا مفاهمه زبانی است که شکل و محتوای آن متأثر از اهداف اجتماعی است (مک‌دانل<sup>۳</sup>، ۱۳۸۰: ۶۹). براساس تعریفی دیگر، گفتمان مجموعه یا دستگاهی بینشی است که از طریق گفتارهای نهادینه‌شده بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد و حتی می‌تواند بر آگاهی تاریخی یک دوره سایه بیفکند؛ بی‌آن‌که لزوماً کاربران همواره نسبت به آن خودآگاه باشند (کلانتری و آشوری، ۱۳۹۲). گفتمان از این حیث مهم است که انسان در زندگی روزمره خود پیوسته در حال تولید متون اجتماعی، مشارکت در تعاملات گفت‌وگویی و بازتولید ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار توسط زلیک هریس<sup>۴</sup> و در زبان‌شناسی به کار رفت (شیفرین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴: ۲۴). تحلیل گفتمان بستری فراهم می‌کند تا با درک انگاره‌های معنابخش موجود در کنش‌های اجتماعی، بتوان ساختارهای نهفته آن‌ها را شناسایی و درک کرد که چگونه از طریق یک صورت‌بندی گفتمانی خاص، شیوه‌ای معین از بودن و کنش سیاسی شکل می‌گیرد (نظری، ۱۳۸۷: ۳۰). به دیگر بیان، گفتمان به‌عنوان مجموعه‌ای از ساختارهای معنایی پیچیده تعریف می‌شود که از طریق زبان، قدرت و ایدئولوژی شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود. گفتمان‌ها تنها بازتاب واقعیت نیستند، بلکه واقعیت را نیز می‌آفرینند و به همین دلیل مطالعه و تحلیل آن‌ها اهمیت بالایی دارد. گفتمان‌ها می‌توانند واقعیت‌های

1 Marianne Jorgensen

2 Phillips, Louise J.

3 Macdonell, Diane

4 Zellig Harris

5 Schiffrin, D.

اجتماعی را شکل دهند و نقش تقویت یا به چالش کشیدن ساختارهای قدرت را ایفا کنند. در واقع گفتمان‌ها به‌عنوان مکانیسم‌های قدرت عمل می‌کنند و از طریق ایجاد و تقویت معنای مشترک میان گروه‌های اجتماعی، هژمونی را برقرار می‌سازند. سیاست نیز عرصه‌ای برای مبارزه بر سر معنا و هژمونی است و این مبارزات در گفتمان‌ها بازتاب می‌یابد (الماسی مقدم، ۲۰۲۴: ۸۷).

تحلیل گفتمان ریشه در نظریه‌ها و تحلیل ایدئولوژی‌ها و قدرت، جامعه‌شناسی علم و فلسفه زبان دارد. نظریه گفتمان فرض می‌کند که روابط انسان با جهان از طریق نظام‌های معنایی و نظم‌های دانش جمعی شکل می‌گیرد (فان‌هالست<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۲۵: ۷۷). این نظریه در پی تحولاتی چون انقلاب سوسور در زبان‌شناسی، نظریه کنش کلامی آستین، بازی‌های زبانی ویتگنشتاین، ساختارگرایی و پساساختارگرایی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و نیز با توجه به اهمیت روزافزون زبان در دهه ۱۹۷۰، به یکی از رویکردهای مهم نظری و روش‌های پرکاربرد پژوهشی تبدیل شد. جریان‌های نظری موجود در این حوزه را می‌توان در یک نگاه کلی به دو دسته تقسیم کرد: تحلیل گفتمان متأثر از میشل فوکو و تحلیل گفتمان مبتنی بر سنت زبان‌شناختی. هر یک از این رویکردها بر بعدی خاص از گفتمان و تحلیل آن متمرکزند (تیلور<sup>۲</sup>، ۱۳۹۹: ۱۰-۱۳). دیدگاه‌های موجود در تحلیل گفتمان اگرچه متکثرند اما اغلب نقطه شروعشان این است که شیوه سخن گفتن ما درباره جهان بازتاب‌دهنده خنثای آن نیست، بلکه نقشی فعال در ساخت و تغییر جهان ایفا می‌کند. ضمن آن که هدف اصلی بسیاری از این رویکردها، تحلیل انتقادی است؛ بدین معنا که با واکاوی روابط و مناسبات قدرت در جامعه و صورت‌بندی دیدگاه‌های هنجاری، امکان نقد و به چالش کشیدن این روابط و ایجاد تغییر اجتماعی فراهم شود (یورگنسن، فیلیپس، ۱۴۰۱: ۱۸-۱۹). تحلیل گفتمان نشان می‌دهد از طریق کدام فرآیند تلاش می‌کنیم معنای نشانه‌ها را تثبیت کنیم و با کدام فرآیند، برخی از موارد تثبیت معنا چنان بدیهی انگاشته می‌شوند که آن‌ها را پدیده‌ای طبیعی به شمار می‌آوریم (یورگنسن، فیلیپس، ۱۴۰۱: ۵۵). با این توضیح، نظریه گفتمان ارنستو لاکلا<sup>۳</sup> و شانتال موفه<sup>۴</sup> بر مبنای ایده‌ای پساساختارگرایانه شکل گرفته است که گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا برمی‌سازد و با توجه به بی‌ثباتی بنیادین زبان، هیچ معنایی به طور کامل تثبیت نمی‌شود و هیچ گفتمانی پدیده‌ای بسته نیست؛ بلکه به واسطه تعامل و تقابل با سایر گفتمان‌ها دچار تغییر می‌گردد. از این رو نزاع یا تخصم گفتمانی به عنوان مفهومی کلیدی در این نظریه مطرح می‌شود. گفتمان‌های مختلف که هر یک روشی خاص برای گفت‌وگو درباره جهان اجتماعی در اختیارمان می‌گذارند، برای دستیابی به هژمونی و تثبیت معنای مطلوب خود، در نزاعی مداوم با یکدیگر قرار دارند. در این نظریه امکان اندیشه و عمل به پیش‌وجود یک میدان ساختاریافته از معنا بستگی دارد. سوژه دیگر به‌عنوان منبع معنا موقعیت‌گذاری نمی‌شود، بلکه «فقط یک مکان خاص دیگر در یک کل معنادار» است (رامسی، ۲۰۲۵: ۳). حتی موقعیت‌های «طبیعی» سوژه که ممکن است تنها یک معنا به نظر برسند، می‌توانند نامحسوس بازتعریف شوند؛ این نشانه نرمال‌سازی هژمونیک قدرتمندی است که باعث می‌شود آن‌ها طبیعی به نظر برسند. نظریه گفتمان ما را به جست‌وجوی نیروهای پنهان قدرت پشت ظاهر «طبیعی» وامی‌دارد (همان). نظریه گفتمان بر نحوه گردش معنا در بستر اجتماعی و منطقی که این معناها بر اساس آن عمل می‌کنند، تمرکز دارد. در این چارچوب، ساختارهای گفتمانی به‌عنوان نظامی از کنش‌های معنادار که به‌طور اجتماعی ساخته شده‌اند در نظر گرفته می‌شوند؛ نظامی که هویت‌های سوژه‌ها را شکل می‌دهد (پرتو<sup>۵</sup>، ۲۰۲۵: ۱۶۸). تحلیل گفتمان به مثابه روش در نظریه لاکلا و

1 Van Hulst, Merlijn

2 Taylor, Stephanie

3 Laclau, Ernesto

4 Mouffe, Chantal

5 Pretto, G. C.

موفه قصد دارد نشان دهد که بازیگران از طریق کدام فرآیند تلاش می‌کنند تا معنای نشانه‌ها را تثبیت سازند و کدام فرآیند موجب می‌شود که برخی از موارد تثبیت معنا را پدیده‌ای طبیعی تلقی کنیم. گفتمان در این رویکرد کلیتی است که در آن هر نشانه، معنای خود را از طریق ارتباط با سایر نشانه‌ها و با طرد معانی بدیل به دست می‌آورد. لاکلا و موفه کلیه حالات ممکن را که یک گفتمان طرد می‌کند، میدان گفتمان<sup>۱</sup> می‌نامند (لاکلا و موفه، ۱۴۰۲: ۱۸۲) و معتقدند هر گفتمان براساس آن چه طردشده، یعنی رابطه با میدان گفتمان ساخته می‌شود.

### – مفصل‌بندی

در نظریه‌های معاصر تحلیل گفتمان، «مفصل‌بندی» یکی از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که امکان توضیح چگونگی شکل‌گیری معنا، هویت و نظم اجتماعی را فراهم می‌کند. مفصل‌بندی به‌مثابه یک کردار، فرآیندی است که طی آن میان عناصر گوناگون رابطه‌ای برقرار می‌شود که نه تنها این عناصر را به یکدیگر پیوند می‌دهد، بلکه هویت آن‌ها را نیز دگرگون می‌سازد (لاکلا و موفه، ۱۴۰۲: ۱۷۱). از این منظر، معنا نه امری ازپیش موجود، بلکه محصول روابطی است که در دل کنش‌های گفتمانی ساخته و بازساخته می‌شود. بر اساس این رویکرد، گفتمان کلیتی است که در نتیجه کردار مفصل‌بندی پدید می‌آید؛ کلیتی که در آن عناصر منفرد تنها در نسبت با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند و هویت‌شان تثبیت می‌شود. بنابراین، هیچ عنصری پیش از ورود به شبکه مفصل‌بندی دارای معنای نهایی و ثابت نیست، بلکه معنا همواره نتیجه جایگاه‌بازی آن عنصر در یک زنجیره رابطه‌ای خاص است. به بیان دیگر، مفصل‌بندی فرآیندی است که طی آن عناصر بالقوه به «برهه‌ها» یا «وقته‌ها»<sup>۲</sup> گفتمانی تبدیل می‌شوند؛ برهه‌هایی که معنا و هویت‌شان به‌طور موقت تثبیت شده است (هوارث<sup>۳</sup>، ۱۳۹۷: ۱۶۲-۱۶۵). نکته اساسی در فهم مفصل‌بندی آن است که این فرآیند هرگز به تثبیت کامل و نهایی معنا منتهی نمی‌شود. از منظر نظریه گفتمان، هیچ گفتمانی قادر نیست منطق رابطه‌ای خود را بدون مواجهه با امر بیرونی یا حوزه‌ای سیال از معانی به انجام برساند. حوزه‌ای که از آن با عنوان «گفتمان‌گونگی» یاد کردیم، همواره در حال سرریز به درون هر گفتمان خاص است و امکان بسته‌شدن کامل معنا را از آن سلب می‌کند. از همین‌رو، مفصل‌بندی همواره ناتمام باقی می‌ماند و تثبیت معنایی حاصل از آن، موقتی و شکننده است. در این چارچوب، «عناصر» جایگاهی ویژه می‌یابند. هر یک از مواضع متفاوتی که تا اندازه‌ای درون یک گفتمان به هم متصل شده‌اند، وقته یا برهه<sup>۳</sup> و هر تفاوتی که به نحوی مفصل نشده باشد، عنصر<sup>۴</sup> خوانده می‌شود (لاکلا و موفه، ۱۴۰۲: ۱۷۱). عناصر آن دسته از دال‌هایی هستند که هنوز به‌طور کامل در یک زنجیره گفتمانی خاص مفصل‌بندی نشده‌اند و به همین دلیل، واجد خصلت شناورند. این دال‌های شناور می‌توانند به‌طور بالقوه در گفتمان‌های رقیب مفصل‌بندی شوند و معانی متفاوت یا حتی متضادی به خود بگیرند. انتقال عناصر به برهه‌ها، یعنی تثبیت نسبی معنا، هرگز به‌صورت کامل تحقق نمی‌یابد و همواره بخشی از سیالیت و ابهام در دل هر هویت گفتمانی باقی می‌ماند. این ناتمامی مفصل‌بندی پیامدهای مهمی برای فهم هویت‌های اجتماعی دارد. از آنجا که هر هویتی ماهیتی رابطه‌ای دارد، معنا و هویت آن تنها در تقابل و تمایز با «دیگری» شکل می‌گیرد. با این حال، به این علت که این روابط هرگز به یک نظام بسته و کاملاً تثبیت‌شده بدل نمی‌شوند، هویت‌های اجتماعی نیز همواره در معرض بازتعریف، منازعه و جابه‌جایی معنایی قرار دارند. به همین دلیل، ابهام دال‌ها نه ناشی از کمبود مدلول‌ها، بلکه

1 The Field of Discursivity

2 Howarth, David

3 Moment

4 Element

حاصل تکثر و چندمعنایی است یعنی وضعیتی که در آن مدلول‌های متعدد برای یک دال ممکن می‌شود و تثبیت نهایی معنا را ناممکن می‌سازد (لاکلا، ۲۰۰۵: ۲۲-۲۵). از منظر مفصل‌بندی گفتمانی، جامعه هرگز به وضعیت این‌همانی کامل با خود دست نمی‌یابد. هر نقطه مرکزی یا دال محوری تنها درون شبکه‌ای بینامتنی و در نسبت با گفتمان‌های دیگر معنا پیدا می‌کند. کردار مفصل‌بندی دقیقاً در همین نقطه عمل می‌کند: ساخت نقاط مرکزی‌ای که معنا را به‌طور ناقص و موقتی تثبیت می‌کنند. این تثبیت ناقص نه یک نقص نظری، بلکه شرط امکان گشودگی امر اجتماعی است و از سرریز دائمی گفتمان‌گونگی به درون هر نظم گفتمانی ناشی می‌شود. در نتیجه، مفصل‌بندی را می‌توان سازوکاری دانست که از طریق آن، گفتمان‌ها می‌کوشند سیالیت معنا را مهار کرده و نوعی نظم هنجاری و معرفتی برقرار سازند، بی‌آن‌که هرگز قادر به حذف کامل ابهام و منازعه باشند. این ویژگی، مفصل‌بندی را به مفهومی کلیدی برای تحلیل منازعات گفتمانی بدل می‌کند؛ چراکه امکان توضیح چگونگی شکل‌گیری دال‌های مرکزی، دال‌های شناور، و فرآیندهای طرد و هژمونیک‌سازی معنا را فراهم می‌آورد.

### – دال مرکزی / دال شناور / مدلول

از دیگر مفاهیم مهم در نظریه گفتمان لاکلا و موفه، دال یا نشانه مرکزی<sup>۱</sup> است. در میان تمامی نشانه‌های یک گفتمان به شخص، نماد، یا مفهومی که سایر نشانه‌ها حول آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، «نشانه مرکزی» می‌گویند که به منزله محور سازمان‌دهنده گفتمان، سایر نشانه‌ها پیرامون آن مفصل‌بندی می‌شوند. برداشته‌شدن نشانه مرکزی موجب فروپاشی انسجام گفتمان خواهد شد. در نظریه لاکلا و موفه، هر گفتمان حول یک نشانه مرکزی (گره‌گاه) سازمان می‌یابد؛ نشانه ممتازی که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند و معنای خود را از رابطه‌شان با آن دال اخذ می‌کنند. نشانه مرکزی به دال‌ها و وقته‌های دیگر معنا می‌دهد و انسجام معنایی کل گفتمان را حفظ می‌کند. در تخصص میان گفتمان‌ها نیز نقطه اصلی مورد مناقشه است. در واقع در چارچوب نظریه گفتمان لاکلا و موفه، «دال مرکزی» به نقطه‌ای اطلاق می‌شود که فرآیند مفصل‌بندی معنا حول آن سازمان می‌یابد و سایر دال‌ها از طریق پیوند با آن هویت گفتمانی خود را کسب می‌کنند. دال مرکزی در گفتمان‌های حاکم بر فرآیند قانونگذاری حوزه حقوق خانواده نه صرفاً یک مفهوم پرتکرار، بلکه سازوکاری هژمونیک برای تثبیت موقت معنا و تحدید افق‌های بدیل است. این دال از طریق ایجاد زنجیره‌های هم‌ارزی میان عناصر ناهمگون و هم‌زمان، طرد معانی رقیب، امکان شکل‌گیری انسجام گفتمانی را فراهم می‌سازد. باین‌حال، دال مرکزی واجد معنایی ذات‌مند و ثابت نیست و همواره در معرض بازتعریف و منازعه گفتمانی قرار دارد. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت دارد، مدلول خوانده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، نشانه مورد نظر برایمان معنا می‌شود. نشانه شناور نیز دالی است که مدلول آن شناور (غیرثابت) است؛ به بیان دیگر مدلول‌های متعدد دارد و گروه‌های مختلف سیاسی برای نسبت‌دادن مدلول مطلوب خود به آن، در رقابت هستند (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

### – زنجیره هم‌ارزی و تفاوت

مفهوم دیگر در این نظریه، زنجیره هم‌ارزی و تفاوت<sup>۲</sup> است. در نظریه گفتمان پسا‌ساختارگرا، به‌ویژه در سنت لاکلا و موفه، مفاهیم «زنجیره هم‌ارزی» و «زنجیره تفاوت» از جمله سازوکارهای محوری برای توضیح چگونگی سازمان‌یابی معنا، شکل‌گیری هویت‌های

1 Nodal Point

2 Chain of Equivalence and Difference

جمعی و تثبیت موقت نظم اجتماعی به شمار می‌آیند. این دو مفهوم نشان می‌دهند که گفتمان‌ها چگونه از طریق برقراری روابط خاص میان دال‌ها، هم‌زمان به تولید انسجام و بازتولید تمایز می‌پردازند. در عمل مفصل‌بندی نشانه‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌هایی بی‌محتوایند؛ یعنی به خودی خود بی‌معنا هستند تا این‌که از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آن‌ها را از معنا پر می‌کنند، ترکیب شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار گیرند که به نظر می‌رسد تهدیدکننده آن‌ها باشند. گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌ها را می‌پوشانند و نظم و انسجام می‌بخشند. در هم‌ارزی، عناصر معنا‌های رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، فعال می‌شوند (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۹۸). در مقابل، زنجیره تفاوت به منطقی اشاره دارد که بر حفظ، برجسته‌سازی و سازمان‌دهی تمایزهای میان دال‌ها و مطالبات استوار است. در این منطق، گفتمان می‌کوشد هر مطالبه یا دال را در جایگاه خاص خود تثبیت کند و از ادغام آن‌ها در یک کلیت هم‌ارز جلوگیری نماید. منطق هم‌ارزی و تفاوت، از طریق مفصل‌بندی عناصر گفتمانی در قالب زنجیره‌هایی از هویت‌های هم‌ارز، درصدد توضیح سازوکارهایی است که به واسطه آن‌ها روابط غیریت‌سازانه<sup>۱</sup> شکل می‌گیرند و در نهایت، سامان سیاسی حاکم بر فضای اجتماعی را قوام می‌بخشند. در این چارچوب، هویت‌های خاص، با تعلیق تفاوت‌های درونی خود، در امتداد یکدیگر مفصل‌بندی می‌شوند و در برابر مجموعه‌ای از هویت‌های «دیگری» قرار می‌گیرند که به مثابه امری تهدیدکننده یا مانع تحقق آن کلیت گفتمانی بازنمایی می‌شوند (سلطانی، ۱۴۰۰: ۹۲-۹۳). منطق هم‌ارزی را می‌توان منطق ساده‌سازی و فشرده‌سازی فضای سیاسی دانست، در حالی که منطق تفاوت معطوف به بسط، تکثر و افزایش پیچیدگی این فضا است. منطق تفاوت عمدتاً بر گسترش قطب هم‌نشینی در زبان استوار است؛ بدین معنا که دامنه‌ای از مواضع و عناصر را توسعه می‌دهد که می‌توانند در روابط ترکیبی متنوع با یکدیگر قرار گیرند و از این طریق، شبکه‌ای از پیوستگی‌ها را شکل دهند. در مقابل، منطق هم‌ارزی بر توسعه قطب جانشینی تمرکز دارد؛ یعنی عناصری که در نسبت جانشینی با یکدیگر قرار می‌گیرند و از این‌رو، با تقلیل شمار مواضعی که امکان ترکیب هم‌زمان دارند، به تحدید و قطبی‌سازی میدان معنا می‌انجامد. با این حال، منطق تفاوت به‌تنهایی قادر به ایجاد حدود و مرزهای گفتمانی پایدار نیست؛ چراکه اگر این منطق به‌صورت انحصاری مسلط شود، هر آنچه بیرون از یک شکل‌بندی قرار می‌گیرد، صرفاً به‌مثابه تفاوتی دیگر ظاهر می‌شود و در نتیجه، نظم‌یافتن این تفاوت‌ها نهایتاً آن‌ها را به بخشی از خود شکل‌بندی بدل می‌سازد. به بیان دیگر، غلبه کامل منطق تفاوت، مرزهای گفتمانی را فرسوده و امکان تمایز بیرون/درون را تضعیف می‌کند. در مقابل، منطق هم‌ارزی از طریق واردساختن سلبیت به حوزه امر اجتماعی، امکان ترسیم مرزهای گفتمانی را فراهم می‌آورد. هر شکل‌بندی گفتمانی تنها از رهگذر جابه‌جایی و تثبیت مرزها، تبدیل آن‌ها به جبهه‌ها یا سرحدات، و ایجاد زنجیره‌هایی از هم‌ارزی قادر است خود را سامان دهد. این زنجیره‌ها، آن‌چه را در آن سوی مرزها قرار می‌گیرد، به‌مثابه «غیر» شکل‌بندی صورت‌بندی می‌کنند. از همین‌رو، فقط از طریق سلبیت، تقسیم و تخصیص است که یک شکل‌بندی می‌تواند خود را به‌منزله افقی موقتاً تمام‌شده و معنادار تثبیت کند. منطق هم‌ارزی نه یک وضعیت عینی بلکه انتزاعی‌ترین و عام‌ترین شرط امکان حیات هر شکل‌بندی گفتمانی است؛ شرطی که بدون آن، هیچ نظمی نمی‌تواند انسجام حادقلی خود را حفظ کند (لاکلا و موفه، ۱۳۹۲: ۲۱۱-۲۳۰).

## روش تحقیق

با این توضیحات و با توجه به اهداف پژوهش و در راستای دستیابی به پاسخی هر چه مستدل‌تر، از روش تحلیل گفتمان (رویکرد لاکلا و موفه) بهره خواهیم برد. در این چارچوب، متن طرح‌ها، لوایح و مصوبات مجلس یازدهم شورای اسلامی در حوزه حقوق خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در فرآیند قانونگذاری، تعاملات و تعارضات گفتمانی میان بازیگران اصلی، بخشی مهم از تلاش آنان برای تأثیرگذاری بر فضای تقنین، پیشبرد مفاهیم مشترک مدنظر، برجسته‌سازی عناصر کلیدی گفتمان و جلب حمایت افکار عمومی است. این هدف از طریق بهره‌گیری از «استدلال» و «مذاکره» محقق می‌شود؛ به نحوی که زبان در قالب این دو عنصر، ابزاری برای درونی‌سازی نظم زبانی به صورت ساختی اجتماعی و بیان دیدگاه‌های رقیب درباره مسأله و جهان به طور کلی به شمار می‌آید (پله<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۳). از این‌رو، در کنار تحلیل متون قانونی، استدلال‌ها و مذاکرات نمایندگان نیز به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر فرآیند گفتمانی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. به بیانی، گفتمان‌های مختلف هر یک شیوه‌ای خاص برای گفت‌وگو درباره جهان اجتماعی و فهم آن در اختیارمان قرار می‌دهند و برای هژمونی پیدا کردن و تثبیت معنای زبانی مطلوب خود، درگیر کشمکی مستمر هستند (یورگنسن، فیلیپس، ۱۴۰۱: ۲۶) که بخش مهمی از این کشمکش در جریان استدلال‌ها و مذاکرات بازیگران دخیل، خود را نشان می‌دهد. بر این اساس در گام دوم پژوهشگر به تحلیل گفتمان مذاکرات صحن علنی مجلس، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مرتبط افراد می‌پردازد و در گام نهایی نیز با برخی از افراد موثر در فرآیند قانونگذاری حوزه حقوق خانواده در این مجلس مصاحبه شد و این مصاحبه‌های پژوهشی نیز مورد بررسی قرار گرفت. چراکه هدف از تحلیل گفتمان، پژوهش انتقادی است، یعنی کندوکاو و تجزیه و تحلیل مناسبات قدرت در جامعه و صورت‌بندی دیدگاه‌های هنجاری‌ای که از منظر آن بتوان با نیم‌نگاهی به امکان تغییر اجتماعی این روابط را نقد کرد و در فرآیند مذاکرات لوایح و طرح‌های مجلس، دیالکتیک قدرت در قالب گفتمان‌ها بیش از سایر عرصه‌ها به چشم می‌خورد.

در رویکرد لاکلا و موفه ابتدا انواع نشانه‌های کلیدی (گره‌گاه‌های گفتمان) سازماندهی می‌شوند و بررسی می‌شود که این نشانه‌ها چگونه با سایر نشانه‌ها تلفیق شده‌اند. وجه مشترک دال‌های کلیدی این است که نشانه‌هایی تهی‌اند: یعنی به خودی خود هیچ معنایی ندارند و هنگامی معنا پیدا می‌کنند که از طریق زنجیره‌های هم‌ارزی با نشانه‌های دیگر ترکیب شوند که به آن‌ها معنا می‌بخشند. با بررسی زنجیره‌های معنایی که گفتمان‌ها به این طرق گرد هم می‌آورند، می‌توان به تدریج گفتمان‌ها را شناسایی کرد. باید در نظر داشت که به عقیده لاکلا و موفه کردارهای غیرزبانی نیز بخشی از گفتمان هستند. این نکته حائز اهمیت است که زبان مهم‌ترین عنصری است که کمک می‌کند معانی ذهنی آدمی قابلیت عینی شدن بیابد؛ یعنی «خود را در ساخته‌هایی از فعالیت آدمی بروز دهند که به عنوان عنصرهای تشکیل‌دهنده یک جهان مشترک در دسترس» (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷: ۵۴) است. علاوه بر زبان، فرد پیوسته در احاطه‌اشایی است که مقاصد ذهنی هم‌نوعانش را «اعلام می‌کنند». یعنی علایم نیز نقشی مشابه زبان دارند اما زبان که می‌شود آن را دستگاهی از علایم صوتی دانست، مهم‌ترین دستگاه علامتی جامعه بشری است؛ چراکه وابستگی به موقعیت چهره به چهره ندارد. همچنین دامنه آن گستردگی انعطاف‌پذیری داشته و به فرد اجازه می‌دهد تا انواع متعدد تجربه‌هایی را که در مسیر زندگی پدید می‌آید، عینیت بخشد. زبان، تجربه‌ها را سنخ‌بندی می‌کند و به فرد اجازه می‌دهد که آن‌ها را در مقوله‌هایی بگنجانند که بر حسب آن‌ها تجربه‌ها نه تنها برای او، که برای هم‌نوعانش نیز معنی داشته باشند. به علاوه زبان می‌تواند به تجربه‌هایی اشاره کند که به حوزه‌های محدود معانی (مثل تجربه عرفانی، رؤیا و...) مربوط‌اند و آن تجربه یا رؤیا را با ادغام در درون نظم زندگی روزمره تعبیر و تفسیر کند. در حقیقت زبان مفهومی است

که ضمن بیرونی و عینی بودن، به همان میزان درونی است و جامعه نیز چیزی نیست جز آن چه زبانی ساخته می‌شود (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷: ۵۷-۶۹). در این پژوهش با رویکرد مبتنی بر ساخت اجتماعی و در نظر گرفتن زبان و سایر علائمی که می‌تواند در مسیر دستیابی به ساخت گفتمانی فرآیند قانونگذاری حقوق خانواده یاری‌رسان باشد، مراحل فوق طی خواهد شد. در این مقاله برای تحلیل گفتمان مراحل به شرح زیر مورد توجه قرار گرفته است:

### دوره زمانی و زمینه گفتمانی مورد بررسی

یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از ۷ خرداد ۱۳۹۹ رسماً آغاز به کار کرد. نمایندگان این دوره مجلس در انتخابات ۲ اسفند ۱۳۹۸، انتخاب شدند. از مجموع ۲۹۰ نماینده، ۲۳۸ نفر از اصولگرایان، ۱۸ نفر از اصلاح‌طلبان و باقی به صورت مستقل به مجلس راه یافتند. در واقع قاطبه نمایندگان این مجلس در گرایش اصولگرایی بوده و این مجلس را می‌توان یکی از مجالس اصولگرایی پس از انقلاب اسلامی خواند. اما نمایندگان اصولگرا در این مجلس از لیست واحدی نبوده و شامل نمایندگان عضو حزب پیشرفت و عدالت، جبهه پایداری، جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی و نمایندگان عدالتخواه بودند. شانا (شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی) که در تهران هر ۳۰ نفر لیست آن توانستند وارد مجلس شوند، جمعی از نمایندگان این احزاب را شامل می‌شد. از سایر شهرها نیز برخی از نمایندگان از لیست شانا و برخی از لیست سایر احزاب اصولگرایی وارد مجلس شدند. در واقع ترکیب نهایی مجلس یازدهم، در بخش اصولگرایی شامل نمایندگان احزاب مذکور است. این مجلس علاوه بر رویکرد غالب اصولگرایی و حضور نیروهای اصولگرا از احزاب مختلف در آن، ویژگی دیگری نیز دارد و آن این است که عمده سال‌های این مجلس با دولت اصولگرا همزمانی یافت. تا مرداد ۱۴۰۰ این مجلس با دولت دوازدهم به ریاست حسن روحانی همزمان بود و پس از آن تا پایان این دوره مجلس که عمده‌ترین زمان آن است، با دولت سیزدهم به ریاست سید ابراهیم رئیسی، عضو جامعه روحانیت مبارز همزمانی داشت. این دولت نیز دولتی اصولگرا محسوب می‌شد که علاوه بر مفصل‌بندی گفتمانی حول نشانه‌های گفتمان اصولگرایی نظیر ولایت، تهاجم فرهنگی، خدمت‌رسانی، فقرزدایی، امنیت ملی و نظارت (سلطانی، ۱۴۰۰: ۲۴۵)، عناصری از احزاب اصولگرایی را در بخش‌های مختلف اجرایی به کار گرفته بود. با توجه به تعامل گسترده دولت‌ها و مجالس در پیشبرد طرح‌ها و لوایح و در کلیت فرآیند قانونگذاری، نسبت‌های سیاسی و گفتمانی آن‌ها واجد اهمیت است.

### متون مورد بررسی

در این مجلس، چند طرح و لایحه مرتبط با حقوق خانواده در دستور کار کمیسیون‌ها بوده که برخی به صحن علنی مجلس نیز وارد شدند. لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مهریه، طرح اصلاح موادی از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ (حضانت) و طرح تأسیس سازمان ملی اقامت (در موضوع تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی با اتباع) از جمله این طرح‌ها و لوایح است که از آن میان، لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت در صحن علنی مجلس مورد گفت‌وگو قرار گرفت و طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت - که ماده ۵۶ آن مربوط قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده است - در کمیسیون مشترک و طبق اصل ۸۵ قانون اساسی برای اجرای موقت - به مدت ۷ سال - به تصویب رسید. متن این طرح‌ها و لوایح، متن مذاکرات صحن علنی مجلس مرتبط با این موارد، نطق نمایندگان مجلس مرتبط با قانونگذاری در زمینه خانواده، مصاحبه با ۴ نفر از افراد و نمایندگان مؤثر در پیشبرد این طرح‌ها و لوایح به ویژه لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت و طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

که پیشرفت بیشتری در مجلس یازدهم داشتند، و دست آخر بررسی مصاحبه‌ها و متن‌های نمایندگان مرتبط و مؤثر در این طرح‌ها و لوایح در کانال‌ها و صفحات اطلاع‌رسانی ایشان؛ متون مورد بررسی در این مقاله است.

### چگونگی تحلیل متن

در این بخش تحلیلی از آنچه در مجلس یازدهم در فرآیند قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده رقم خورده است، براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه ارائه می‌شود تا نشان داده شود که نشانه‌های گفتمان‌های مورد نظر و چگونگی رقابت آن‌ها برای تثبیت معنا چیست. برای تحلیل متون مذکور، به بررسی مضمونی و محتوایی پرداخته شد؛ زیرا این متون به لحاظ معانی و مضامین به کار رفته در آن‌ها اهمیت دارند. از سویی در این بررسی از روش مقایسه نیز استفاده شد. یک راه مفید برای درک ماهیت یک متن، مقایسه آن با متون دیگر است. چراکه به ویژه در یک فضای سیاسی، یک گفته یا نوشته معنایش را از طریق متفاوت بودن با گفته یا نوشته دیگر کسب می‌کند. مضامین و محورهای اصلی حاملان خرده‌گفتمان‌های بازشناسی شده براساس میزان تکرار آن‌ها و تأکید صریح افراد و طرفدارانشان استخراج شد. برای تشخیص دال اصلی چند معیار در نظر گرفته شد. در این مورد تکرار، مسأله مهمی است. دال یا نشانه‌ای که بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است، طبعاً نقش مهم‌تری دارد اما نکته مهم این است که در تشخیص دال اصلی، معیار ما گفتمانی است و در این معنا باید میان دال مرکزی و هفته‌ها، انسجام و هماهنگی وجود داشته باشد. در واقع به آن نشانه‌ای دال مرکزی اطلاق می‌کنیم که دال‌های دیگر براساس آن تعریف شده باشند و میان آن‌ها رابطه‌ای شکل گرفته باشد (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۴). با توجه به حجم متون مورد بررسی، ضرورت و امکان آوردن همه این متون در این مقاله وجود نداشت. برخی محققان نیز یادآور شده‌اند در یک تحقیق با چنین ابعاد و حجمی ضرورتی برای ارائه متون مورد بررسی در گزارش تحقیق وجود ندارد (همان). در این شرایط لاجرم به اشاره به برخی از بخش‌های متون مورد بررسی اکتفا می‌شود.

### تحلیل یافته‌ها

پس از یکدستی شکل گرفته در مجلس و سپس دولت، در نتیجه حاشیه‌رانی اغیار و تثبیت هژمونی گفتمان اصولگرایی، این گفتمان بر فضای قانونگذاری حوزه حقوق خانواده موقعیت خود را تحکیم کرد. با تثبیت جایگاه این گفتمان سیاسی، غیریت‌سازی میان نحله‌های فکری درون آن که از اختلافات نهفته در دل گفتمان اصولگرایی نشئت می‌گرفت، خود را نشان داد. گفتمان اصولگرایی در واپسین سال‌های دولت دوازدهم، پس از وقایع سیاسی- اجتماعی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، و نارضایتی گسترده مردم از مجلس و دولت وقت توانست اختلاف نظرهای موجود در دل این جریان را به وسیله زنجیره هم‌ارزی پنهان سازد و در انتخابات پیروز شود. اما در ادامه و پس از دستیابی به قدرت و هنگامی که انگیزه‌های وحدت‌بخش که دستمایه گفتمان‌ها برای یکسان‌سازی نیروهای اجتماعی و نحله‌های مختلف فکری و قراردادن آن‌ها در زنجیره هم‌ارزی است، فروکش کرد، براساس منطقی تفاوت، گفتمان‌ها در درون خود غیریت‌سازی می‌کنند و اختلافات سر باز می‌کند (کسرابی و پوزش‌شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۳۲). یکی از بخش‌های مهمی که این غیریت‌سازی در مجلس یازدهم خود را به ظهور و بروز رساند، قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده بود که بررسی متون مذکور حاکی از عدم یکدستی در جریان اصولگرایی در حوزه حقوق خانواده است که منجر به احصاء دو خرده‌گفتمان با نشانه‌ها و مفصل‌بندی‌های متفاوت شده و این دو برای تثبیت معنا از روش‌هایی سخت و نرم برای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی گفتمان خود و رقیب بهره می‌برند.

در واقع این دو گفتمان هم تلاش می‌کنند برای هژمونیک‌شدن خود به تولید معنا بپردازند و هم با به‌کارگیری ابزارهای انضباطی، غیر را حذف و طرد سازند.

بررسی متون مورد اشاره، دو گفتمان «سنتی اصولگرایی» و «تحول‌خواه اصولگرایی» را مرتبط با فضای قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده در مجلس یازدهم بازنشانی می‌کند. گفتمان سنتی در نسبت با حقوق خانواده و ساخت گفتمانی قانونی آن، نشانه مرکزی «حفظ نهاد خانواده» را انتخاب کرده و ضمن استفاده پرتکرار از این مفهوم، تلاش دارد سایر نشانه‌ها را در نسبت با آن مفصل‌بندی کند و میان این نشانه مرکزی و وقته‌ها - که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد - انسجام و هماهنگی برقرار است.

گفتمان سنتی در تقابل با گفتمان نواصلاح‌طلبی در حوزه زنان که بر مجلس دهم و دولت دوازدهم حاکم بود، نشانه اصلی خود را در نسبت با خلأها و فقدان‌های موجود در حوزه قانونگذاری در مجلس پیشین، یعنی «حفظ نهاد خانواده» تعریف و آن را به عنوان نشانه تهی گفتمان نواصلاح‌طلبی برجسته کرده است و با قرارداد این نشانه در جایگاه نشانه مرکزی گفتمان خود، در واقع به ساختار شکنی از دال مرکزی گفتمان مجلس دهم می‌پردازد و با ایجاد تزلزل در نظام معنایی تثبیت‌یافته آن، گفتمان خود را مفصل‌بندی می‌کند.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۱۴۳- سه‌شنبه ۱۴۰۰/۷/۱۸- مذاکرات مربوط به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت: امیرحسین بانکی‌پورفرد: در این قانون تلاش شده تا خانواده به عنوان رکن سازنده جامعه در اولویت حمایت‌های اجتماعی قرار گیرد. خانواده در اولویت حمایت‌های مسکن، حمایت‌های اقتصادی، حمایت‌های شغلی و حمایت‌های آموزشی.

اما گفتمان سنتی در نسبت با این مفهوم، معارض گفتمانی خود را صرفاً جریان اصلاح‌طلبی و نواصلاح‌طلبی ندانسته و با تمرکز بر گفتمان تحول‌خواهی اصولگرایی از فرآیندهای طرد و حاشیه‌رانی برای حفظ و استمرار قدرت و هژمونی خود بهره می‌برد و با القای ضدخانواده‌بودن گفتمان رقیب تلاش می‌کند نشانه مرکزی «حفظ نهاد خانواده» را از آن خود سازد.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۲۹۹- یکشنبه ۱۴۰۲/۱/۲۰- تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱): حسن نوروزی: سروران محترم! بررسی‌های ما نشان می‌دهد که این لایحه [لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار] در حقیقت محتوای قوانین حقوق بشر و بین‌المللی سازمان ملل متحد به‌ویژه سند ۲۰۳۰ می‌باشد. سروران محترم! این لایحه بنیاد خانواده را سست و ضعیف می‌کند، این لایحه درگیری بین زنان و مردان را ایجاد می‌کند.

مصاحبه با الف: در این‌جا یکی از اختلاف نظرهای شدیدمان [با تحول‌خواهان اصولگرا] این است که این‌ها می‌گویند حق ندارید زن و خانواده را قاطی کنید؛ ما یک لایحه قبلاً برای خانواده نوشته‌ایم؛ آن را کنار بگذاریم. الان فقط زن. خب این مخالف آقاست. ما همه‌جا، در این لایحه و آن لایحه و ۱۰ لایحه دیگر، باید اصل را خانواده ببینیم. با حفظ خانواده، زن لطف می‌کند و کارهایی در جامعه انجام می‌دهد. اما واجبش خانواده است. آن را خراب کنیم؟!... هر جا که امکان دارد کنار کلمه زن، خانواده آورده‌ایم. چه اشکالی دارد؟ این دستور صریح حضرت آقاست. بارها هم تکرار شده... اول جایگاه خانواده، بعد نقش زن در خانواده و بعد در دیگر عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و...

متن پخش‌شده میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیش از مذاکرات مربوط به تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱): همکاران و نمایندگان خردمند مجلس... همان‌طور که اطلاع دارید کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار در دستور این هفته صحن قرار دارد. با آن

که رهبر بزرگوار انقلاب همیشه در دفاع از شخصیت زن به تبع فرهنگ ناب اسلامی سخن گفته‌اند ولی بارها هشدار داده‌اند که مسیری که تفکرات غربی برای دفاع از حقوق زنان دنبال می‌کنند، در تعارض با خانواده است و ظلم مضاعفی به حقوق زن است. در نقطه مقابل، گفتمان تحول‌خواهی اصولگرایی، ضمن واپس‌رانی دووجهی گفتمان نواصلاح‌طلبی و گفتمان سنتی اصولگرا، نشانه مرکزی «موازنه میان استیفای حقوق زن و استحکام نهاد خانواده» را در گفتمان حاکم بر قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده انتخاب کرده است و تلاش دارد سایر نشانه‌ها را در نسبت با این مفهوم مفصل‌بندی کند. ضمن آن که با تعریف نشانه «رهبر انقلاب» سعی در فاصله‌گذاری میان گفتمان رقیب با گفتمان انقلاب اسلامی و حاشیه‌رانی آن دارد. در پی اهمیتی که این نشانه پیدا کرده، خرده‌گفتمان سنتی اصولگرا برای ساختار شکنی از آن تلاش کرد. در واقع فرآیند نرم‌افزاری طرد و واپس‌رانی تعریف‌شده توسط خرده‌گفتمان تحول‌خواه سبب می‌شد گفتمان سنتی به طور کل از دایره جریان اصولگرایی خارج شود و از حیثیت و ماهیت سیاسی تاریخی خود تهی گردد. از همین‌رو نیز این خرده‌گفتمان تلاش کرد با هدف قراردادن نشانه «رهبر انقلاب» در کنار سایر نشانه‌های به ظاهر مشترک خود با گفتمان تحول‌خواه از جمله «اسلام»، «خانواده» و... نشان دهد که این گفتمان تحول‌خواه است که از دایره جریان سیاسی اصولگرایی خارج شده است. اگرچه این کشمکش و نزاع بر سر نشانه «رهبر انقلاب» در میان این دو خرده‌گفتمان برقرار است و این نشانه، نشانه شناوری است که نزاع‌های نرم‌افزاری زیادی برای ارائه تعریف‌های متفاوت از آن صورت گرفته است، اما از جهت کثرت و نوع استفاده، در فرآیند ساخت گفتمانی قوانین حوزه خانواده در خرده‌گفتمان تحول‌خواهی اصولگرایی تعریف می‌شود.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۲۹۹- یکشنبه ۱۴۰۲/۱/۲۰- تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱): حسین حاتمی: اولاً لایحه مذکور با عنایت به محورهای مورد تأکید رهبری که ارتقای امنیت زنان و استحکام خانواده دال مرکزی آن است، تلاش کرده موقعیت‌های آسیب‌زا را شناسایی و نسبت به کاهش این موقعیت‌ها با تقویت تدابیر اجتماعی و اتخاذ عدالت‌ترمیمی در رویکرد اسلامی و اجتماعی، استیفای حقوق زنان و استحکام خانواده را هم‌راستا سازد... وجه تمایز لایحه مذکور با اسناد بین‌المللی که می‌تواند یکی از دستاوردهای مهم در راستای تبیین آسیب‌های نظام فکری غرب بر زنان و نهاد خانواده باشد ارائه الگوی حمایت از زنان در کنار حفظ استحکام خانواده است.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۲۷۰- سه شنبه ۱۴۰۱/۱۰/۲۰: فاطمه قاسمپور: یکی از نکات حائز اهمیت در فرمایشات ایشان [رهبر انقلاب] که بایستی سرلوحه ما به‌عنوان قانونگذار قرار گیرد موضوع توجه به ظلم به زن در خانواده و ضرورت حمایت قوانین به‌صورت محکم و قوی از زن در راستای حفظ خانواده است.

۱۴۰۲/۱/۲۸- فاطمه قاسمپور: ضرورت مسأله مشخص است. اساساً مسأله امنیت زنان در رویکرد گفتمان انقلاب اسلامی مسأله مهمی است. سال گذشته رهبر انقلاب در دیدار با اқشار بانوان در موضوع حمایت قوانین از زن در خانواده و رفع ظلم به زن صحبت کردند. قبل‌تر هم در سال‌های متعددی از همان اوایل انقلاب تا این اواخر به کرات به این موضوع اشاره داشتند. در سال ۹۸ رهبر معظم انقلاب در دیدار خصوصی با زنان فعال در حوزه زنان و خانواده مطرح کردند که آرامش و امنیت زن در خانواده حق او است که به عنوان مسأله نظام خانواده باید مورد توجه جدی قرار بگیرد و در حوزه خانواده رفع ظلم شود... این تغییر رویکرد، مورد اجماع جامعه کارشناسی قرار داشت؛ چراکه بهترین رویکرد، حمایت از زن در عین توجه به حفظ و تقویت خانواده است (قاسم‌پور، ۱۴۰۲ الف).

۱۳۹۹/۱۱/۱۳- فاطمه قاسمپور: ما در فراکسیون زنان و خانواده مجلس ضامن برقراری موازنه حقوقی میان زنان و مردان هستیم و اصلاحیه مربوط به مهریه نیز از این قاعده مستثنا نبوده و باید به گونه‌ای باشد که هم مسائل مردان را مرتفع سازد و هم در راستای تأمین حقوق زنان باشد.<sup>۱</sup>

مصاحبه با ب: [جریان سنتی معتقد بودند] ورود قضایی در مسأله خانواده، خانواده را دچار چالش می‌کند و این مخالفت صریح با رویکرد آفاست.

گفتمان تحول‌خواه ضمن پررنگ‌سازی نگاه خود نسبت به استیفای حقوق زن -در کنار توجه به نهاد خانواده- در قانونگذاری در عرصه خانواده، عدم توجه جریان سنتی اصولگرایی به حقوق زن در تدوین قوانین مرتبط با حقوق خانواده، را برجسته می‌کند و با «صدزن» خواندن گفتمان سنتی، سعی در حاشیه‌رانی آن دارد.

نشانه دیگر گفتمان سنتی اصولگرایی در قانونگذاری حوزه حقوق خانواده، «اسلام» است که از سوی نهاد خانواده را نهادی مورد تأیید اسلام دانسته و از سوی دیگر حفظ آن در ساحت قانونگذاری را نیز در نسبت با آموزه‌های اسلام می‌داند. این نشانه، نشانه مشترک با گفتمان تحول‌خواه اصولگرایی است که البته در مفصل‌بندی با سایر نشانه‌ها و به ویژه نشانه مرکزی، وجوه بعضاً متمایزی را شامل خواهد شد. به گونه‌ای که در گفتمان تحول‌خواه، این نشانه علاوه بر تحکیم نهاد خانواده، با اعاده کرامت زن و استیفای حقوق او در خانواده در فضای قانونگذاری نیز نسبت برقرار می‌کند و به نوعی آن‌چه توسط گفتمان سنتی اصولگرایی «اسلام» خوانده می‌شود، از منظر تحول‌خواهان اصولگرا، خوانشی ناقص از اسلام است:

متن پخش‌شده میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیش از مذاکرات مربوط به تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱): روح حاکم بر مواد این لایحه پیش از آن‌که برخاسته از فرهنگ ناب اسلامی و دیدگاه‌های امامین انقلاب باشد، برگرفته‌شده از ترجمه متون و ضمام سند ۲۰۳۰ و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط است.... براساس موارد فوق این لایحه نیازمند بازسازی اساسی است که در قالب یک طرح یا لایحه جدید و برخاسته از اندیشه‌های ناب اسلامی تنظیم گردد.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۲۹۹- یکشنبه ۱۴۰۲/۱۱/۲۰- تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱): حسن نوروزی: اگر مرد مانع اشتغال زن یا خروج از کشور شود، این مخالف با اصول اسلامی است. چرا شما نوشته‌اید که زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و او به جای توافق باهمسر خود جداگانه از کشور خارج شود یا وارد اشتغال شود؟... در این لایحه پیشنهاد داده شده که صندوقی به حمایت از زن تشکیل شود تا آن تفاضل دیه نصف آن را این صندوق بپردازد. مگر اسلام خود تشخیص این موارد را نداده است...؟

مصاحبه با الف: ما به هیچ وجه در اسلام این را نمی‌گوییم که حق زن است حق دختر است چون خودش خواسته. می‌گوییم خودش را بازی داده‌اند و به او ظلم شده.... اسلام چه می‌گوید؟ من الان تصمیم می‌گیرم بچه‌ام را بکشم. اسلام اجازه می‌دهد؟ کی گفته مادر حق دارد برای قتل یک انسان تصمیم بگیرد؟

علاوه بر این، گفتمان سنتی هم در نسبت با آموزه‌های اسلام و هم در مفصل‌بندی با نشانه مرکزی، به دنبال نوعی از قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده است که «روابط سنتی درون‌خانوادگی» را به هر شکل پایدار نگاه دارد و در این میان، آن‌چه در نگاه این گفتمان تأمین‌کننده این روابط سنتی است، توجه ویژه به ارتقای حقوق مردان در خانواده، تلاش برای قرارگیری حقوق زنان در سایه

1 [https://ble.ir/f\\_ghasempour\\_ir](https://ble.ir/f_ghasempour_ir)

حقوق نهاد خانواده و عدم توجه به حقوق زن در خانواده به صورت مجزا است. به نوعی این گفتمان در غیریت با گفتمان اصلاح‌طلبی در حوزه زن و خانواده که به دنبال برابری جنسیتی و دستیابی به ساختار افقی در خانواده است (ر.ک: علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۶))، از توجه به حقوق زنان در حوزه خصوصی احتراز داشته و برای فاصله‌گذاری با گفتمان اصلاح‌طلبی که آن را ذیل گفتمان فمینیستی بازشناسی می‌کند، هر توجهی به حقوق زن در سپهر خصوصی را به نوعی حرکت به سمت برابری جنسیتی و همچنین ضدیت با استحکام خانواده و حفظ این نهاد می‌داند. به تعبیری، نشانه دیگر گفتمان سنتی اصولگرایی مرتبط با نشانه مرکزی آن در فضای قانونگذاری حوزه خانواده، «عدم توجه به حقوق زن» است و این گفتمان با توجه به نظام معنایی شبکه گفتمانی خود، قانونگذاری در نسبت با سپهر خصوصی را بدون توجه به حقوق زن دنبال می‌کند و حقوق زن در خانواده را صرفاً ذیل حقوق خانواده به رسمیت می‌شناسد. علاوه بر این، نابه‌سامانی‌های موجود در خانواده را به علت فاصله‌گیری از مدل سنتی خانواده می‌داند و با پررنگ‌سازی حقوق مردان در خانواده سعی می‌کند اقتدار و جایگاه فرادستی مرد در نظام خانواده را تثبیت کند. این گفتمان با این نشانه از نشانه مرکزی گفتمان تحول‌خواه یعنی «موازنه میان استیفای حقوق زن و استحکام نهاد خانواده» و توجه این گفتمان به حقوق زن در خانواده، ساختارشکنی می‌کند و آن را حرکت در راستای اغراض فمینیستی می‌داند.

در مقابل، گفتمان تحول‌خواه اصولگرا دو نشانه مهم را در اصلاح قوانین یا قانونگذاری در حوزه خانواده در نسبت با اعضای خانواده مطرح نظر دارد؛ نخست، نشانه «کرامت زن در خانواده» و دیگری، نشانه «نقش مادری». در واقع قانونگذاری در حوزه خانواده در نگاه حاملان گفتمان تحول‌خواه اصولگرا بایستی تأمین‌کننده کرامت زنان در سپهر خصوصی باشد و در صورتی که قانونگذاری به صورت یکسویه مردان را در نظر داشته باشد یا به نوعی در راستای استیفای حقوق مردان یا نهاد خانواده عمل کند که در نهایت کرامت زن در ساحت خانواده مخدوش شود، این قانونگذاری مورد چالش گفتمان تحول‌خواه است. ضمن آن که برخلاف گفتمان سنتی که از حقوق مردان سخن می‌گوید و به دنبال پررنگ‌سازی حقوق ایشان در عرصه خانوادگی است، این گفتمان خلأ قوانین حوزه خانواده را کم‌توجهی به کرامت زن در عرصه خصوصی می‌داند و از همین‌رو نیز به دنبال تغییر در این وضعیت است. با همین نگاه یعنی توجه به حقوق زنان و تأمین کرامت ایشان در خانواده هم نشانه «نقش مادری» را در کنار سایر نشانه‌های خود مفصل‌بندی می‌کند. مادری به عنوان دال شناور، توسط گفتمان سنتی به وقته تبدیل نشده و این گفتمان در هراس از پررنگ‌شدن حقوق زن در خانواده، این دال را که در گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زن و خانواده پیش از این بازشناسی شده بود، به فضای گفتمان‌گونگی می‌راند اما گفتمان تحول‌خواه آن را به وقته تبدیل می‌کند و با برچسب مخالفت با گفتمان انقلاب اسلامی و مخالفت با رهبران انقلاب، گفتمان سنتی را طرد و حاشیه‌رانی می‌کند.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۲۹۹- یکشنبه ۱۴۰۲/۱/۲۰- تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱)- حسن نوروزی: (در انتقاد به لایحه) شما آورده‌اید و در این لایحه آمده است که اگر مردی برای دو بار همسر خود را مثلاً یک جراحی به بدنش وارد کند، مثلاً دستی بلند کرده و ناخن او بدن او را بریده و اینجا آن مرد دیه پرداخت کرده، زن می‌تواند درخواست طلاق کند.

متن پخش‌شده میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیش از مذاکرات مربوط به تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱): (در انتقاد به لایحه) برخورد جنسیتی نسبت به مقوله خشونت و نادیده‌گرفتن عدالت اسلامی که نفی خشونت ظالمانه است اعم از زن و مرد.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۳۸۵- یکشنبه ۱۴۰۲/۱۰/۱۰: محمدباقر قالیباف: مجلس شورای اسلامی خود را مکلف می‌داند تا با سرعت فرایند تصویب جزئیات این لایحه را به اتمام رساند. تأمین امنیت زنان در برابر هرگونه رفتار نادرست، آسیب‌زا و هرگونه بی‌حرمتی در محیط خانه، محیط کار و محیط جامعه هدف اصلی این لایحه است و تصویب آن گام بلندی در راستای تأمین کرامت زنان و مادران ایرانی و افزایش رضایت و آرامش آنان خواهد بود.

۱۴۰۱/۱۱/۱۲- فاطمه قاسمپور: این لایحه برای نخستین بار وارد قانونگذاری حمایتی از زنان در ایران شده و هدف اصلی آن حفظ کرامت زنان ایرانی از هر قشر و گروهی است و به دنبال آن است که زنان را از هر نوع سوء رفتار حفظ کند (قاسمپور، ۱۴۰۱).  
 ۱۴۰۲/۲/۱۲- فاطمه قاسمپور: مورد دیگر، وجود برخی سنت‌های غلط در کشور است که حتی با وجود نرخ شیوع کم، ولی در شأن و کرامت زن ایرانی نیستند؛ از جمله «ازدواج اجباری» تحت سنت «خون‌بس» که این مسأله مهم در لایحه دنبال شده است (قاسمپور، ۱۴۰۲ ب)

اگرچه حقوق در جمهوری اسلامی ایران منبعث از فقه امامیه تعریف شده و به ویژه در حوزه خانواده این قانونگذاری پیوند وثیقی با آراء فقهی دارد، در میان رویکردهای موجود فقهی، خرده‌گفتمان «سنتی اصولگرایی»، به پیروی از متن اخبار، احادیث و متون دینی تأکید دارد و توجه به تحولات یا اقتضات زمان و مکان را بر نمی‌تابد. به تعبیری این خرده‌گفتمان بر «اخباری‌گری» تأکید دارد و این وقته را در مفصل‌بندی گفتمانی خود وارد می‌سازد و با این نشانه در گام نخست، به دنبال طرد گفتمان اصلاح‌طلبی است. گفتمان اصلاح‌طلب با برجسته‌سازی عناصری از اسلام که سازگاری بیشتری با تجدد دارد و در واقع با مفهوم برجسته‌شده در دوران اصلاحات یعنی روشنفکری دینی (کرمی‌فهی ۱۳۹۱: ۶۲ و سلطانی، ۱۴۰۰: ۱۵۳)، در قانونگذاری حوزه خانواده به دنبال ساختار شکنی از آنچه نگرش‌های پدرسالارانه، سلسله‌مراتبی و اقتدارگرایانه حاکم بر این نهاد می‌خواند، است. گفتمان سنتی اصولگرایی نیز یکی از مهم‌ترین منازعات گفتمانی خود را در نسبت با این گفتمان تعریف کرده و دال شناور فقه را ذیل گفتمان خود، با «اخباری‌گری» به وقته تبدیل می‌کند و به این نحو به دنبال هژمون کردن نوع خوانش خود از مناسبات خانواده و حقوق زن و مرد در سپهر خصوصی در این مناسبات است. «اخباری‌گری» بر گروهی از فقهای شیعه اطلاق می‌گردد که خط مشی عملی آنان در دست‌یابی به احکام و تکالیف شرعی، پیروی از اخبار و احادیث است، نه روش‌های اجتهادی و اصولی؛ اخباریون، ادله احکام را تنها کتاب و سنت می‌دانند. باقی‌ماندن در نص، بدون توجه به تحولات جامعه و عدم تلاش برای درک عمیق از معارف دینی و احکام شریعت، از ویژگی‌های این رویکرد است. در نقطه مقابل، گفتمان تحول‌خواه در ساخت گفتمانی حقوق خانواده خود را مقید به فقه امامیه می‌داند و نشانه مربوط به این گفتمان را می‌توان «فقه پویا» خواند؛ که به دنبال برقراری نسبت میان فقه امامیه با تحولات اجتماعی است. گفتمان سنتی با تأکید بر «اخباری‌گری» علاوه بر طرد و واپس‌رانی نشانه روشنفکری دینی، به دنبال حاشیه‌رانی فقه پویا نیز است و به نوعی آن را در راستای نشانه روشنفکری دینی در گفتمان اصلاح‌طلبی می‌داند:

مقدمه توجیهی طرح اصلاح موادی از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱- شماره ثبت ۹۰۸ (مربوط به موضوع حضانت):  
 قانونگذار مستفاد از نظرات فقهای امامیه مادر را در حضانت اطفال اولی بر هر شخص دیگر معرفی کرده و نگهداری و سرپرستی آنان را نیز به او تکلیف کرده است لکن مطابق قاعده این در شیء این در لوازم آن نیز است، کمال اجرای این حق مستلزم بازتعریف اختیارات شخص صاحب حق حضانت از نظر قانونی است چراکه معنای حضانت در جامعه امروزی تحول یافته و صرفاً نگهداری طفل نیست بلکه وظیفه تربیت و رشد استعدادهای طفل با توجه به توسعه علوم و پیشرفت جوامع، گسترش یافته و افزایش این مسئولیت با افزایش اختیارات حاضن همراه نبوده است.

۱۴۰۲/۸/۲۴- فاطمه قاسمیپور: در مسأله حضانت نیز نقشی که مادر دارد مسأله جدی تزاخم میان نقش مادر و نقش ولی است. این امر برای همسران شهید و زنانی که همسران‌شان را از دست داده‌اند بسیار پررنگ‌تر است. تزاخم این دو نقش باعث مشکلاتی می‌شود. مادر علاقه‌مند است در یک حوزه خاص برای فرزند سرمایه‌گذاری کند. یا همان مواردی که شما اشاره کردید، مایل است نقش‌آفرینی جدی داشته باشد اما گاهی اوقات مانعی وجود دارد و اتفاق آن‌گونه که باید دنبال نمی‌شود. این مسأله ریشه فقهی دارد و اتفاقاً از ویژگی‌های فقه پویاست که این دغدغه‌ها را برطرف کند... این موضوع از ویژگی‌های فقه پویا است و می‌توان میان حقوق جد پدری و مادر یک موازنه ایجاد کرد و مصلحت طفل هم لحاظ شود (قاسمیپور، ۱۴۰۲ ج).

نشانه دیگر خرده‌گفتمان سنتی در قانونگذاری حوزه خانواده به نوع مواجهه مدنظر با تحولات خانواده و همچنین خواست اعضای این نهاد به‌ویژه زنان و مردان مربوط می‌شود. این خرده‌گفتمان در قانونگذاری خود در حوزه حقوق خانواده با رویکردی اقتدارگرایانه و با نگاهی «آسیب‌شناسانه» و ناظر به اصلاح وضعیت، به دنبال «هدایت و کنترل اعضا و نهاد خانواده» است. درواقع این رویکرد با حذف تکثرها به دنبال فروکاهش زیست‌جهان اعضا و نهاد خانواده به یک قرائت هژمونیک و تجسید یافته است. این در حالیست که گفتمان اصلاح‌طلبی به عنوان گفتمانی که معارضت تاریخی با گفتمان اصولگرایی دارد، با تأکید بر «مردم» به دنبال نوعی مشروعیت‌بخشی از-پایین-به-بالا است (سلطانی، ۱۴۰۰: ۱۵۴) که براساس آن مردم واسطه مشروعیت‌یافتن قانونگذاری خواهند بود. در گفتمان سنتی، در صورت تخطی اعضای خانواده از نظم نهادین رسمی مدنظر، این نظم به تعبیر برگر و لوکمان وارد فرآیندهای «درمانی» می‌شود. توجیه‌گری منفی یا انکار یکی از روش‌های درمانی است که طی آن واقعیت هر پدیده یا تفسیرهایی که با قلمرو نظم نهادی مطابقت ندارند را نمی‌کند. این عمل یا از طریق انتساب پایگاه وجودی منفی به «پدیده‌های انحرافی» صورت می‌گیرد و یا از طریق کندوکاو نظری آن‌ها. در روش دوم، هدف نهایی عبارت از ادغام موارد انحرافی در قلمرو خویش است (برگر و لوکمان، ۱۳۷۸: ۱۵۷-۱۵۸). از سویی این نشانه در تعارض با نشانه «شناخت تحولات اعضا و نهاد خانواده» در خرده‌گفتمان تحول‌خواه اصولگرایی قرار دارد. درواقع گفتمان تحول‌خواه اصولگرایی در قانونگذاری برای خانواده، با مشروعیت‌بخشی به اعضای خانواده، تحولات ادراکی زنان و مردان و مطالبات ایشان، قانونگذاری را در نسبت با این تحولات تعریف می‌کند و این رویکرد را رویکرد رهبران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی می‌داند و با انتساب گفتمان خود به گفتمان انقلاب اسلامی و تخالف گفتمان سنتی در نسبت با تحولات جامعه و مردم با نگاه رهبران انقلاب، تلاش در برجسته‌سازی خود و واپس‌رانی گفتمان رقیب دارد. ضمن آن‌که گفتمان سنتی را از این منظر گفتمانی می‌داند که چشم بر تحولات و همچنین ظرفیت‌های جامعه بسته و با رویکردی اقتدارگرایانه قصد شکل‌دهی به خانواده و روابط درون‌خانوادگی مطابق با قالب سنتی خود دارد و این قالب را نیز با «پنهان‌کاری» مذاکرات و اصل قصد خود -یعنی کنترل و شکل‌دهی از بالا به پایین- به خانواده حقه می‌کند. گفتمان تحول‌خواه اصولگرایی در کنار این نشانه، نشانه «فرهنگ» را هم در ساحت گفتمانی خود فعال می‌کند و این نشانه را به میدان رقابت برای تولید معنا می‌کشد و از این‌رو قانونگذاری در عرصه خانواده را در نسبت با فرهنگ جامعه ایرانی و خانواده ایرانی و با لحاظ آن معنادار می‌داند.

مصاحبه با ب: اول اینکه این مسأله بیش از آنکه مسأله حاکمیت باشد، مسأله مردم است. بالاخره با همان رویکرد رفاه اجتماعی و خانواده مستحکم و متعالی و... هم جامعه ایرانی دل در گرو این مفاهیم دارد و هم شما به عنوان حاکمیت باید بدانید که خود خانواده ایرانی و جامعه هم این مسأله را دارد و فقط مسأله شما نیست. وقتی مسأله خانواده ایرانی است، چرا باید به سبکی آن را مدیریت کنید که خانواده نسبت به مسأله خودش هم بی‌رغبت شود؟! پس باید مسأله به گونه‌ای دنبال شود که این بی‌رغبتی برای خانواده ایجاد

نشود. نباید مسأله او را تبدیل به مسأله خودت بکنی. باید بگذاری آن مسأله برای خانواده باشد و خانواده همچنان به آن حس داشته باشد. این قابل فهم و درک نبود و اختلاف در مدل مدیریت مسأله داشتیم.

صاحبه با د: ما سعی می‌کردیم این سیاست‌پژوهی جامعه‌نگر را تزریق کنیم، می‌گفتیم الان بالاخره برای مردم غربالگری ارزش و اطمینان خاطر است. مثل کسی که کرم ضدآفتاب می‌زند و فکر می‌کند همه اشعه‌ها برمی‌گردند، فکر می‌کند اگر برود غربالگری بچاهش سالم خواهد شد. جامعه این شکلی است. عموم جامعه این است. یک عده قلیلی، خانواده‌های شما در قم و مشهد غربالگری نمی‌روند، دلیل نمی‌شود کسی که از کاشان و شیراز و تهران و تبریز است هم نخواهد. او می‌خواهد برود. تو فقط اجبارش را بردار. پوشش بیمه‌اش را کم کن.... فکر می‌کنند جامعه ابزار است. نمی‌فهمند جمهوری اسلامی یک نرم‌افزار است فقط و برای اجرا سخت‌افزار لازم دارد که مردم‌اند. فکر می‌کنند نرم‌افزار جمهوری اسلامی را می‌توانند با ۵-۶ هزار نفر نیروی جهادی پیاده کنند. حرفی که آقا در بیانیه گام دوم می‌زنند که ما به هر قیمتی نیامده‌ایم که بمانیم، اینها اصلاً فهم نمی‌کنند و می‌گویند اینها حرف‌های روشنفکری آقا است.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۳۹- دوشنبه ۱۳۹۹/۸/۱۲- تصویب تقاضای بررسی طرح جمعیت و تعالی خانواده طبق اصل (۸۵) قانون اساسی (ثبت ۵۲): الیاس نادران: هم مردم را از بحث‌هایی که باید شنیده شود محروم می‌کنید، هم نمایندگان را از اظهارنظری که نسبت به مفاد این طرح باید داشته باشند محروم می‌کنید... چرادیگران را محروم می‌کنید؟... مردم در جریان مذاکرات قرار می‌گیرند، مردم می‌فهمند چه اتفاقی دارد می‌افتد. جامعه هدف ما افرادی خارج از مجلس هستند که باید بدانند ما چه امتیازاتی داریم قائل می‌شویم، چه تصمیماتی داریم می‌گیریم، چه راهبردهایی را داریم در حوزه جمعیت کشور ابلاغ می‌کنیم و انتظارمان از مردم این است که چه کنند. اگر ما خارج از این فضای مفهومی و تفاهمی که باید در جامعه ایجاد شود و مردم بفهمند که ما می‌خواهیم چه کار کنیم، پشت درهای بسته بنشینیم و یک مصوبه‌ای هم داشته باشیم، اصلاً گیرم که شورای نگهبان هم ایراد نگیرد، نتیجه آن چه خواهد شد؟ مگر بنا نیست که مردم به این عمل کنند؟ مگر بنا نیست که جامعه هدف ما کل مردم ایران باشد؟ چرا آنها را نامحرم می‌دانیم؟

۱۴۰۲/۱/۲۰- فاطمه قاسمپور: اگرچه در اهمیت حمایت از زنان و تامین و ارتقای امنیت ایشان شکی نیست و قطعاً تمامی دست‌اندرکاران لایحه در دولت‌های مختلف، قوه قضائیه و مجلس به این امر اذعان دارند، اما در واقع لایحه به جهت ملاحظات فرهنگی و بومی نیازمند کار کارشناسی سنگین و دقیقی بود که فرآیند را کند می‌کرد (قاسم‌پور، ۱۴۰۲ د).

یکی از نشانه‌های دیگر در گفتمان تحول‌خواه نشانه «**قانون**» است؛ که با این نشانه این گفتمان سعی دارد با قانون‌گرا جلوه‌دادن خود - که نتیجه تلویحی آن این است که رقیب، یعنی گفتمان سنتی اصولگرا، به قانون توجه ندارد-، به مشروعیت خود بیفزاید. این گفتمان در بخش‌های مختلف و در منازعات گفتمانی سیاسی، خود را ملزم به استناد به قوانین پیشین و به ویژه قوانین بالادستی از جمله قانون اساسی می‌داند. این در حالیست که گفتمان سنتی نشانه شناور «**قانون**» را به حوزه گفتمان‌گونی رانده و در فضای قانونگذاری در نسبت با خانواده منطقه‌ای فراخ و بی‌قید و شرط به لحاظ قانونی برای خود قائل است.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۵۱- چهارشنبه ۱۳۹۹/۹/۲۶- فاطمه رحمانی: براساس اصل دهم قانون اساسی می‌بایست تمام قوانین و مقررات و سیاست‌های اجرایی کشور خانواده‌محور باشد و با کارکردهای خانواده مغایرت نداشته باشد.

مصاحبه با ج: یادم است خانم قاسمپور میکروفونش را باز کرد و تذکر قانون اساسی داد و گفت شما اصلاً نمی‌توانید تبعیض در این حد بین آدم‌ها برای استخدامشان قائل شوید.

یکی دیگر از نشانه‌های گفتمان تحول‌خواه اصولگرایی که در مفصل‌بندی با سایر نشانه‌های این گفتمان، تلاش دارد فضای مفهومی خود را در ساحت قانونگذاری حوزه خانواده هژمون کند، نشانه «مقابله با تصویر منفی غرب از وضعیت زن در جمهوری اسلامی ایران» است. با فضاسازی رسانه‌ای منفی درباره وضعیت زنان در ایران در سال‌های اخیر و به طور ویژه از سال ۱۴۰۱، این نشانه در گفتمان تحول‌خواه مورد توجه قرار گرفته است و از همین‌روست که در قانونگذاری در نسبت با خانواده، از ایجاد هر تصویر منفی نسبت به وضعیت زنان احتراز دارد. این گفتمان با این نشانه به دنبال طرد گفتمان رقیب خود است و آن را گفتمانی سیاه‌نما از وضعیت زن در جمهوری اسلامی بازخوانی می‌کند و این‌گونه نشان می‌دهد که موجب بخشی از تصویر منفی جهان از جمهوری اسلامی ایران و باورپذیری این تصویر توسط کنشگران داخلی، گفتمان سنتی اصولگرایی است.

۱۴۰۲/۱/۱۹- فاطمه قاسمپور: لایحه ارتقای امنیت زنان فردا پس از ۱۲ سال فراز و نشیب در دولت‌ها، ق ق و مجلس، به صحن علنی می‌آید تا همان‌گونه که رهبرانقلاب خواستار حمایت از زنان در حوزه قانونگذاری بودند، زنان ایرانی بر خلاف چهره‌ای که غرب مخبره می‌کند هر چه بیشتر قانون جمهوری اسلامی را حامی خود ببینند.<sup>۱</sup>

این در حالیست که گفتمان سنتی اهتمام گفتمان تحول‌خواه به بازسازی تصویر منفی غرب از وضعیت زن در ایران را تلاشی در مخالف با آموزه‌های صریح اسلام می‌داند:

متن پخش‌شده میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیش از مذاکرات مربوط به تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱): «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (سوره مبارکه بقره آیه ۱۲۰)؛ یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند تا آنکه از آیین‌شان پیروی کنی.

ضمن آن‌که یکی از نشانه‌های این خرده‌گفتمان «مقابله با اسناد و کنوانسیون‌ها بین‌المللی» است و تشابه الفاظ و مفاهیم با این اسناد را نیز مورد چالش قرار می‌دهد و تلاش دارد در متن قانونی خود در حوزه حقوق خانواده از به کار بردن این الفاظ مشترک احتراز کند. این در حالیست که تکرار هویت‌های زبانی از درون یک گفتمان در بستر گفتمان‌های دیگر رخ می‌دهد اما پذیرش چنین منطقی به معنای تکرارپذیری یک مصداق واحد یا به تعبیر دیگر یک مدلول واحد برای این نشانه نیست و می‌توان برداشت و تعریفی کاملاً زمینه‌پرورده و متناسب با مفصل‌بندی گفتمانی جدید از این مفهوم پیشنهاد کرد (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۱۹). درواقع زمینه‌های گفتمانی متفاوت، تکرار نشانه‌های ثابت با معنی واحد را برنمی‌تابند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۲۱). این گفتمان همچنین هرگونه دفاع از حقوق زن در سپهر خصوصی را که در خرده‌گفتمان تحول‌خواهی خود را نشان می‌دهد، به نوعی ردپای کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی تلقی می‌کند. البته این مقابله، صرفاً در بخش‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرد که این گفتمان سعی در طرد و حاشیه‌رانی گفتمان رقیب خود و القای این‌همانی گفتمان تحول‌خواه با گفتمان اصلاح‌طلبی دارد و گفتمان سنتی در بخش‌هایی که نیازمند برجسته‌سازی نشانه‌های خود با انتساب به نظام کارشناسی است، به مستندات نهادهای بین‌المللی استناد می‌کند. نشانه «اجماع کارشناسی» نیز نشانه شناوری است که نزاع‌های نرم‌افزاری زیادی برای ارائه تعریف‌های متفاوت از آن صورت گرفته است. گفتمان تحول‌خواه این نشانه را به سرعت به وقته تبدیل و در نسبت با سایر نشانه‌های خود مفصل‌بندی می‌کند و سعی دارد نشان دهد در فرآیند قانونگذاری در حوزه حقوق

1 [https://twitter.com/ghasempour\\_ir/status/1644791810525462530?s=20](https://twitter.com/ghasempour_ir/status/1644791810525462530?s=20)

خانواده بایستی نظرات کارشناسی متعدد و متکثر را شنید و با پذیرش یک اجماع حداقلی کارشناسی، این فرآیند را پیش برد؛ گفتمان سنتی معتقد به به‌کارگیری بدنه کارشناسی حامل ایدئولوژی گفتمانی خود در این فرآیند است.

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۳۸۷- سه‌شنبه ۱۴۰۲/۱۰/۱۲- حسن نوروزی: این طرح‌های گوناگون نامفهومی که عرضه می‌دارید... همین طرح خشونت زنان مربوط به کنوانسیون استانبول بوده؛ چه را می‌خواهد برای شما حل بکند؟! مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۲۹۹- یکشنبه ۱۴۰۲/۱۱/۲۰- تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱)- سید محمود نبویان: شما حتماً حقوق بشر را مطالعه فرمودید. حقوق بشر می‌گوید ما فارغ از هرگونه دین و مذهب یک حقوقی قائل هستیم؛ در حالی که شما عین این نکته را در ماده (۱) هم می‌بینید که فارغ از دین و مذهب ما آمدیم این کارها را داریم انجام می‌دهیم.

مصاحبه با ج: آن زمان که دعوا تند شد دیدیم... یک مشت پروژه‌بگیر خودش را آورده؛ مدام هر جلسه می‌رفت ... و برمی‌گشت، هفته بعدش بعد از تعطیلات ۲۰ تا بند به قانون جمعیت اضافه شده بود ... می‌گفت اینها نتیجه کار کارشناسی است. آقای ... و خانم ... در آن مقطع کاری کردند که ... مرکز پژوهش‌های مجلس دیگر کار را رها کرد.

گفتمان سنتی در برابر مانور نرم‌افزاری گفتمان تحول‌خواه اصولگرایی، که مشروعیت آن‌ها و نسبت‌شان در ساخت گفتمانی حقوق خانواده با اندیشه انقلاب اسلامی را زیر سؤال می‌برد، نشانه «نفوذ» را پررنگ می‌کند. گفتمان سنتی اصولگرایی با واردکردن دال نفوذ به دایره نشانگان خود و مفصل‌بندی این نشانه با سایر نشانه‌ها، توجه گفتمان تحول‌خواه به حقوق زنان، کرامت زن، فقه پویا منطبق با دیدگاه امام خمینی و... را به نوعی نفوذ تلقی کرده و این‌گونه نشان می‌دهد که این گفتمان اگرچه از اسلام، فقه، رهبری و... سخن می‌گوید، اما آگاهانه یا ناآگاهانه به دنبال پیاده‌کردن رویکردهای غربی و اسناد بین‌المللی است و اگرچه در ذیل گفتمان اصولگرایی قرار گرفته، اما به نوعی همان گفتمان اصلاح‌طلبی است که برای پیشبرد منویات خود، در حاملان این گفتمان «نفوذ» کرده و رویکرد خود را پیش می‌برد.

متن پخش‌شده میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیش از مذاکرات مربوط به تصویب کلیات لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار (ثبت ۴۷۱): روح حاکم بر مواد این لایحه پیش از آن که بر خواسته از فرهنگ ناب اسلامی و دیدگاه‌های امامین انقلاب باشد، برگرفته شده از ترجمه متون و ضمائم سند ۲۰۳۰ و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط است... زمینه‌سازی قانونی برای نفوذ جریان‌های فمینیستی و انتقال محتوای آموزشی متأثر از این رویکرد بطور نمونه مواد: ۲،۳،۵،۷،۸،۱۲،۱۰،۱۴،۲۲

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی جلسه ۲۹۷- سه‌شنبه ۱۴۰۲/۱۱/۱۵- فاطمه محمدبیگی (قزوین، آبیگ و البرز) - همچنین امروز باید در عرصه قانون فضای مجازی و قانون مربوط به امنیت و کرامت زنان رد پای سند (۲۰۳۰) را در نظر داشته باشیم.

نشانه نفوذ به دلیل مبهم‌بودن، قابلیت تفسیرپذیری و معناپذیری گسترده‌ای دارد و به این ترتیب این امکان را فراهم می‌آورد که هر عملی که تهدیدکننده مفصل‌بندی گفتمان سنتی باشد، به نوعی نفوذ تلقی شود و هر مواجهه سخت با گفتمان رقیب، مواجهه با نفوذ خوانش شده و مشروعیت یابد و قابل توجیه باشد.



مفصل‌بندی گفتمان سنتی اصولگرا در قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده- مجلس یازدهم



مفصل‌بندی گفتمان تحول‌خواه اصولگرا در قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده- مجلس یازدهم

## نتیجه‌گیری

مسئله محوری این پژوهش، تبیین چگونگی صورت‌بندی گفتمانی قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده در مجلس یازدهم و شناسایی منطق‌های حاکم بر این فرآیند بود. در پاسخ به این مسأله، یافته‌ها نشان داد که علی‌رغم یکدستی سیاسی در سطح کلان، عرصه قانونگذاری خانواده نه با یک گفتمان یکپارچه، بلکه با منازعه‌ای میان دو خرده‌گفتمان درون جریان اصولگرایی مواجه است. به بیان دقیق‌تر، پرسش از «چگونگی مفصل‌بندی قانونگذاری حقوق خانواده در مجلس یازدهم» به این نتیجه انجامید که این مفصل‌بندی حاصل تقابل میان خرده‌گفتمان «سنتی اصولگرایی» و «تحول‌خواه اصولگرایی» است؛ تقابلی که نه در سطح تقابلی‌های کلاسیک سیاسی، بلکه در سطح بازتعریف دال‌های بنیادین همچون «خانواده»، «حقوق زن» و «مداخله قانون» شکل می‌گیرد.

پس از یکدستی ایجادشده در جریان سیاسی واردشده به مجلس شورای اسلامی در یازدهمین دوره، گفتمان اصولگرایی بر مجلس شورای اسلامی غالب شد و در ادامه با شکل‌گیری دولت سیزدهم این گفتمان سیاسی در بخش مهمی از حاکمیت یعنی دو قوه مجریه و مقننه خود را حاکم کرد. در این شرایط است که غیریت‌سازی میان نحله‌های فکری درون این جریان آغاز شد و یکی از بخش‌های مهمی که این نحله‌های فکری، و به تعبیر بهتر خرده‌گفتمان‌ها خود را نشان داد، در قانونگذاری در ساحت خانواده بود. در واقع پیش از انتخابات مجلس یازدهم، احزاب جریان اصولگرایی با ایجاد زنجیره هم‌ارزی، سعی در پوشاندن تفاوت‌ها و تکررها در برابر جریان اصلاح‌طلبی و تغلیب جریان اصولگرایی داشتند. یکی از مکانیسم‌های اصلی شکل‌گیری این تغلیب، ایجاد زنجیره‌های هم‌ارزی است. این زنجیره‌ها زمانی شکل می‌گیرند که مطالبات و خواسته‌های مختلف که در ابتدا ممکن است ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند، به دلیل وجود یک دیگری مشترک، به هم گره می‌خورند و احساس همبستگی و هویت مشترک را ایجاد می‌کنند. در این فرآیند، تفاوت‌های خاص این مطالبات به حاشیه رانده شده و بر وجه مشترک آن‌ها تأکید می‌شود. این هم‌ارزی، یک هویت جمعی را شکل می‌دهد که می‌تواند به یک نیروی سیاسی هژمونیک تبدیل شود. اما پس از شکل‌گیری مجلس یازدهم، از آنجا که هر گفتمانی ضرورتاً نیاز به گفتمان رقیب - به تعبیر دریدا؛ بیرونی سازنده - دارد تا به واسطه آن هویت یابد، تفاوت‌های پنهان‌شده هویدا شد و در دل جریان اصولگرایی خرده‌گفتمان‌ها سر برآورد و همان‌طور که اشاره شد یکی از بخش‌های مهمی که منازعات این دو خرده‌گفتمان خود را نشان می‌داد، ساخت قوانین حوزه خانواده است. در واقع منطق هم‌ارزی که به دنبال تقسیم فضای اجتماعی با تراکم کردن معنا حول دو اردوگاه متخاصم است، در مجلس یازدهم در قانونگذاری حوزه خانواده توانست دو خرده‌گفتمان جدی را که سعی در برساخت گفتمانی حقوق خانواده داشتند، ایجاد کند. خرده‌گفتمان سنتی اصولگرایی با نشانه مرکزی تحکیم نهاد خانواده و مفصل‌بندی این نشانه مرکزی با نشانه‌های اسلام، اخباری‌گری، روابط سنتی درون‌خانوادگی، عدم توجه به حقوق زن، هدایت و کنترل اعضا و نهاد خانواده، مقابله با اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و نهایتاً نفوذ، ضمن استفاده از ابزارهای سخت‌افزاری در حاشیه‌رانی و طرد گفتمان رقیب در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، توانست در فرآیند قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده خود را هژمون سازد و این تفوق در تصویب ماده ۵۶ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، جلوگیری از بررسی جزئیات و تصویب نهایی لایحه «حفظ کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» و نیز ارائه طرح «اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مهریه» خود را نشان داد.

در چارچوب نظری لاکلا و موفه، هر گفتمان از خلال تثبیت موقت معنا پیرامون دال‌های مرکزی و از طریق ایجاد زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت قوام می‌یابد. یافته‌های این پژوهش این گزاره نظری را تأیید و در عین حال بسط می‌دهد. به طور مشخص خرده‌گفتمان «سنتی اصولگرایی» با انتخاب نشانه مرکزی «تحکیم نهاد خانواده»، موفق شده است دال‌های مذکور را در یک زنجیره

هم‌ارزی به یکدیگر متصل سازد و از این طریق، افق معنایی مسلط بر قانونگذاری حوزه خانواده را شکل دهد. این زنجیره هم‌ارزی با ساده‌سازی فضای سیاسی و تقلیل آن به دو قطب متخاصم «حفظ خانواده/تهدید خانواده»، امکان طرد گفتمان‌های رقیب را فراهم کرده و هر گونه تلاش برای بازتعریف حقوق زن در سپهر خصوصی را به‌منزله تهدیدی علیه کلیت خانواده بازنمایی کرده است. این امر نشان‌دهنده غلبه منطق هم‌ارزی است که به تعبیر لاکلا و موفه، شرط امکان هژمونی از طریق کاهش پیچیدگی و ایجاد مرزهای سلبی است.

در مقابل، گفتمان تحول‌خواه اصولگرایی با نشانه مرکزی موازنه میان استیفای حقوق زن و استحکام نهاد خانواده و نشانه‌های کرامت زن در خانواده، فقه پویا، اسلام، نقش مادری، رهبر انقلاب، شناخت تحولات اعضا و نهاد خانواده، قانون، فرهنگ، اجماع کارشناسی، مقابله با تصویر منفی غرب از وضعیت زن در جمهوری اسلامی؛ ضمن مانور نرم‌افزاری در راستای طرد و حاشیه‌رانی نشانه‌های گفتمان رقیب، در ساحت حقوق خانواده صرفاً توانست مانعی در مسیر تحقق برخی طرح‌ها از جمله طرح «اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مهریه» ایجاد کند یا در تعدیل رویکرد ماده ۵۶ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مؤثر باشد و نیز لایحه «حفظ کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» را تا تصویب کلیات آن در صحن علنی مجلس پیش ببرد. این خرده‌گفتمان کوشید با نشانه مرکزی «موازنه میان استیفای حقوق زن و استحکام نهاد خانواده» منطق متفاوتی از مفصل‌بندی را پیش ببرد و از طریق منطق تفاوت، پیچیدگی فضای اجتماعی و تحولات زیسته خانواده ایرانی را به رسمیت بشناسد و دل‌های متکثرتری را در یک صورت‌بندی منعطف مفصل‌بندی کند. با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که این گفتمان در مجلس یازدهم نتوانسته است زنجیره هم‌ارزی قدرتمندی در برابر گفتمان سنتی شکل دهد و بیشتر نقش گفتمانی بازدارنده و تعدیل‌کننده داشته است تا هژمونیک. از منظر نظری، این وضعیت را می‌توان با رجوع به مفهوم «منطق هم‌ارزی» توضیح داد. منطق هم‌ارزی، همان‌گونه که لاکلا و موفه تأکید می‌کنند، شرط امکان هر شکل‌بندی گفتمانی مسلط است؛ چراکه از طریق تقلیل تفاوت‌ها و ایجاد مرزهای سلبی، امکان انسجام و بسیج سیاسی فراهم می‌شود. در مجلس یازدهم، گفتمان سنتی اصولگرا نتوانسته است با بهره‌گیری گسترده از این منطق، فضای تقنین در حوزه خانواده را حول دوگانه‌های متخاصم سامان دهد و از این طریق، خرده‌گفتمان تحول‌خواه را در موقعیت دفاعی قرار دهد. از این حیث، یافته‌ها نه تنها مؤید نظریه لاکلا و موفه درباره نقش تعیین‌کننده منطق هم‌ارزی در تثبیت هژمونی است، بلکه نشان می‌دهد که صرف پیچیده‌سازی گفتمانی (منطق تفاوت) بدون برساخت مرزهای سلبی، ظرفیت هژمونیک محدودی دارد.

در سطحی کلان‌تر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده در مجلس یازدهم را باید بخشی از فرآیند بازتعریف هویت گفتمان اصولگرایی پس از یکدستی ایجادشده دانست. در دوره پیش از انتخابات، اختلافات درونی این جریان از طریق زنجیره‌های هم‌ارزی در برابر «دیگری اصلاح‌طلب» پنهان شده بود؛ اما پس از تثبیت قدرت، این تفاوت‌ها مجال بروز یافت و خود را به‌ویژه در حوزه‌هایی چون خانواده و زنان نشان داد. از این‌رو، ساحت خانواده به یکی از میدان‌های اصلی منازعه گفتمانی درون اصولگرایی بدل شد. از منظر نظریه گفتمان، این وضعیت تأییدکننده این گزاره است که هیچ گفتمانی بدون «بیرونی سازنده» قادر به تثبیت هویت خویش نیست و «بیرونی سازنده» لزوماً یک گفتمان کاملاً بیرونی نیست، بلکه می‌تواند درون یک جریان سیاسی یکدست نیز بازتولید شود. در مجلس یازدهم، پس از حذف «دیگری اصلاح‌طلب» به‌عنوان نقطه اتکای زنجیره هم‌ارزی پیشینی، خرده‌گفتمان‌های درونی اصولگرایی به‌مثابه بیرونی‌های متقابل عمل کرده و از طریق تقابل با یکدیگر، هویت خود را تثبیت کرده‌اند. این یافته، قرائتی درون‌گفتمانی از مفهوم «غیریت» ارائه می‌دهد.

در نسبت با پیشینه تجربی، یافته‌های این پژوهش از یک سو در امتداد برخی نتایج مطالعات پیشین قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، افق تحلیلی جدیدی را می‌گشاید. نخست، در هم‌سویی با پژوهش‌های انصارین و همکاران (۱۳۹۶ و ۱۳۹۷)، این مطالعه نیز نشان می‌دهد که عرصه قانونگذاری خانواده در ایران همواره محل تلاقی و رقابت چندین گفتمان بوده و هیچ‌گاه به یک گفتمان یگانه و بدون منازعه تقلیل نیافته است. با این حال، در حالی که آن پژوهش‌ها عمدتاً تقابل میان گفتمان‌های کلان (نظیر سنت‌گرا/نوگرا یا اصولگرا/اصلاح‌طلب) را برجسته می‌کنند و در مورد مجلس هشتم از نوعی میانجی‌گری گفتمان «سنت‌گرای اعتدالی» برای کاهش تعارض سخن می‌گویند، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در مجلس یازدهم، به واسطه یکدستی نسبی ساختار سیاسی، منازعه گفتمانی از سطح بین‌گفتمانی به سطح درون‌گفتمانی انتقال یافته است. به بیان دیگر، شکاف اصلی نه میان جریان‌های سیاسی رقیب، بلکه در درون گفتمان اصولگرایی و میان خرده‌گفتمان‌های آن بازتولید شده است. اما در مقایسه با پژوهش سلیمی (۱۳۹۹) که بر فرآیند خط‌مشی‌گذاری عدالت جنسیتی با تأکید بر مؤلفه‌های ادراکی و چالش‌های نهادی تمرکز دارد، این پژوهش نشان می‌دهد که این چالش‌ها را نمی‌توان صرفاً در سطح ناکارآمدی‌های اجرایی یا شناختی تحلیل کرد، بلکه باید آن‌ها را در چارچوب منازعات گفتمانی و نحوه مفصل‌بندی دال‌هایی چون «عدالت»، «خانواده» و «حقوق زن» فهم کرد. از این منظر، یافته‌های این مطالعه مکمل رویکردهای سیاست‌گذارانه بوده و سطحی عمیق‌تر از تحلیل -یعنی سطح تولید معنا و هژمونی- را به آن می‌افزاید. همچنین در نسبت با پایان‌نامه توکلی‌خالدی (۱۴۰۱)، که با رویکردی تاریخی به شناسایی گفتمان‌های غالب در ادوار مختلف و تأثیر آن‌ها بر تغییرات قانونی پرداخته است، پژوهش حاضر با تمرکز بر یک دوره خاص (مجلس یازدهم) و با اتکا به چارچوب نظری ارنستو لاگلا و شانتال موفه، نشان می‌دهد که حتی در درون یک گفتمان به ظاهر مسلط نیز فرآیند تثبیت معنا همواره ناتمام و منازعه‌آمیز است. به عبارت دیگر، برخلاف رویکردهای کلان‌نگر که هر دوره را ذیل یک گفتمان غالب صورت‌بندی می‌کنند، این پژوهش بر چندپارگی درونی و رقابت خرده‌گفتمان‌ها در دل همان گفتمان غالب تأکید دارد. به طور کل، وجه تمایز اساسی این پژوهش با مطالعات پیشین را می‌توان در دو سطح صورت‌بندی کرد: نخست، در سطح داده‌ها، که فراتر از تمرکز صرف بر مذاکرات رسمی مجلس، مجموعه‌ای از کنش‌های گفتمانی (اعم از نطق‌ها، مصاحبه‌ها، موضع‌گیری‌ها و تعاملات نهادی) و همچنین ادراکات بازیگران کلیدی را در بر می‌گیرد؛ و دوم، در سطح تحلیل، که با تمرکز بر منطق‌های هم‌ارزی و تفاوت، نشان می‌دهد چگونه هژمونی گفتمانی نه فقط در تقابل‌های کلان سیاسی، بلکه در درون یک جریان سیاسی یکدست نیز بر ساخته و بازتولید می‌شود. از این حیث، پژوهش حاضر ضمن تأیید کلیت وجود تکثر گفتمانی در حوزه خانواده، با جابه‌جا کردن سطح تحلیل به درون گفتمان مسلط، خلأ موجود در ادبیات را پر کرده و تبیینی دقیق‌تر از دینامیک‌های قدرت و معنا در فرآیند قانونگذاری ارائه می‌دهد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که فرآیند قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده در مجلس یازدهم صرفاً بازتاب ترجیحات فردی نمایندگان یا اقتضائات فنی حقوقی نیست، بلکه برآیند یک منازعه گفتمانی پیچیده است که در آن، معنا به صورت موقت تثبیت شده و همواره در معرض منازعه و بازتعریف قرار دارد و در همین روند نیز مفاهیم بنیادینی چون خانواده، حقوق زن و... به طور مداوم بازتعریف و بازتثبیت می‌شوند. این پژوهش نشان می‌دهد که فهم این فرآیند بدون توجه به منطق‌های گفتمانی، به‌ویژه نسبت میان هم‌ارزی و تفاوت، ممکن نیست. از این رو، تحلیل گفتمان در چارچوب لاگلا و موفه نه تنها ابزار تبیینی مناسبی برای مطالعه قانون‌گذاری خانواده در ایران فراهم می‌آورد، بلکه امکان شناسایی الگوهای پنهان قدرت و معنا در فرآیند تقنین را نیز مهیا می‌سازد.

## منابع

- انصارین، نوریه و دیگران (۱۳۹۶)، تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانونگذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)، مطالعات اجتماعی ایران، دوره یازدهم، شماره ۱: ۵-۳۵. [https://www.jss-isa.ir/article\\_۳۱۶۰۴.html](https://www.jss-isa.ir/article_۳۱۶۰۴.html).
- انصارین، نوریه و دیگران (۱۳۹۷)، تحلیل گفتمان جامعه‌شناختی مذاکره‌های مجلس هشتم شورای اسلامی در خصوص قانون حمایت از خانواده، مطالعات جامعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۳۹، ۱۲۵-۱۴۴. <https://sanad.iau.ir/Journal/jss/Article/۹۵۷۸۹۵>.
- برگر، پیتر و لوکمان، توماس (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، تشکل‌های گفتمانی و جامعه چندگفتار، گفتمان، شماره ۲، ص ۱۱۷-۱۳۴.
- تاجیک، محمدرضا و روزخوش، محمد (۱۳۸۷)، بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان، مسائل اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره ۶۱، ص ۸۳-۱۲۸.
- توکلی‌خالدی، اعظم (۱۴۰۱)، تحلیل گفتمان‌های تأثیرگذار بر فرآیند قانونگذاری در قلمرو حقوق زنان و خانواده (۱۳۵۸-۱۳۹۸)، دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری.
- تیلور، استفتی (۱۳۹۹)، تحلیل گفتمان چیست، ترجمه: عرفان رجبی و پدram منیعی، تهران: نویسه پارس.
- سلطانی، علی اصغر (۱۴۰۰)، قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: نشر نی.
- سلیمی، ناهید (۱۳۹۹)، تحلیل فرآیند توسعه خط‌مشی‌گذاری عدالت جنسیتی در ایران، دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری.
- طرح اصلاح موادی از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ (۱۴۰۲)، بازیابی‌شده از سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مهریه (۱۴۰۱)، بازیابی‌شده از سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- طرح تأسیس سازمان ملی اقامت (۱۴۰۱)، بازیابی‌شده از سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۶)، تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ششم، شماره ۲، ص ۲۰۳-۲۲۹.
- ۲۰۱۷,۲۳۳۸۴۲,۵۲۷jir./۱۰,۲۲۰۵۹
- فرکلاف، نورمن (۱۳۹۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه روح‌الله قاسمی، تهران: اندیشه احسان.
- قاسم‌پور، فاطمه (۱۴۰۱)، جزئیات لایحه حفظ امنیت زنان در برابر سوءرفتار، بازیابی‌شده از: <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۱۱۱۱۲۰۹۹۱۳>.
- قاسم‌پور، فاطمه (۱۴۰۲ الف)، پیشگیری از آسیب زنان با تصویب یک لایحه، بازیابی‌شده از: <https://irannewspaper.ir/۱۴۱۰۵/۱۳/۸۱۶۳>.
- قاسم‌پور، فاطمه (۱۴۰۲ ب)، نشست «واکاوی لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار»، بازیابی‌شده از: <https://www.ettelaat.com/archives/gsc.tab=#۶۸۶۴۰>.
- قاسم‌پور، فاطمه (۱۴۰۲ ج)، با فقه پویا می‌توان مسأله حضانة را حل کرد، بازیابی‌شده از: <https://farhikhtegandaily.com/page/۲۴۴۸۹۰>.
- قاسم‌پور، فاطمه (۱۴۰۲ د)، در مصوبه مجلس سعی شد «رویکرد ترمیمی» جایگزین «رویکرد کیفری» شود، بازیابی‌شده از: <https://farhikhtegandaily.com/news/۷۹۱۹۰>.
- کرمی‌قهی، محمدتقی (۱۳۹۱)، تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۳، ص ۴۱-۷۴. <https://doi.org/۲۰۱۳,۸۲۷/qjssd.۱۰,۲۲۰۵۴>.

کسرابی، محمدسالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه (۱۳۵۸-۱۳۷۶)، سیاست، شماره ۱۹، ص ۲۲۷-۲۴۶.

کلانتری، عبدی و آشوری، داریوش (۱۳۹۲)، سرگشته میان جهان های شرقی و غربی. در: بی بی سی فارسی. ۲۰ آبان ۱۳۹۲.  
لاکلاو، ارنستو و موفه، شانتال (۱۴۰۲)، هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال)، ترجمه محمد رضایی، تهران: ثالث.

لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت (۱۳۹۹)، بازبایی شده از سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.  
مشروح مذاکرات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی، دوره یازدهم، ۷ خرداد ۱۳۹۹ لغایت ۱ خرداد ۱۴۰۳، بازبایی شده از سایت روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

مک دائل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر نظریه گفتمان، ترجمه: حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.  
نظری، علی اشرف (۱۳۸۷)، غرب، هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشت های غرب از اسلام، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۱.  
هوارث، دیوید (۱۳۹۷)، گفتمان، ترجمه روح الله قاسمی، تهران: اندیشه احسان.  
یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

Almasi Moghaddam, K. (2024). Critical discourse analysis: A review of the views of Ernesto Laclau, Chantal Mouffe and Norman Fairclough. *International Journal of Advanced Research in Humanities and Law*, 1(2), 86-90. <https://doi.org/10.63053/ijrel.16>

Collins, Patricia Hill (۱۹۸۹). *The Social Construction of Invisibility: Black Women's Poverty in Social Problems Discourse*. pp. 77-93 in *Perspectives on Social Problems, Volume I*, ed. Gale Miller and Jim Holstein. Greenwich, CT: JAI Press.

Edelman, M. (۱۹۸۸). *Constructing the Political Spectacle*. Chicago, IL: University of Chicago Press.

Laclau, Ernesto (2005). *On Populist Reason*, UK: Verso Press.

Pohle, Julia (۲۰۱۳). Opening the black box of communication policy-making: Analysing policy change through the lenses of networks and discourse, *SMIT – Studies on Media, Information and Telecommunication*, 1- 28. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2827659>

Pretto, G. C. (2025). Developments on Laclau and Mouffe's Discourse Theory: populism, anti-populism and new research agendas. *Plural*, 32(2), 167-185. <https://doi.org/10.11606/issn.2176-8099.pcs0.2025.241287>

Ramsey, Sarah M. (2025), Laclau and Mouffe's Discourse Theory: Professionalism as an Empty Signifier for Nursing, *Nurs Philos*, 1- 10, <https://doi.org/10.1111/nup.70034>

Schiffirin, D. (1994). *Approaches to Discourse*. Oxford and Cambridge: Blackwell.

Van Hulst, M., Metze, T., Dewulf, A., de Vries, J., van Bommel, S., & van Ostaijen, M. (2025). Discourse, framing and narrative: three ways of doing critical, interpretive policy analysis. *Critical Policy Studies*, 19(1), 74-96. <https://doi.org/10.1080/19460171.2024.2326936>.